

جنبش کارگری، دورنمای مبارزه و وظیفه پیش روی آن: تأملی بر مبارزات یک ساله اخیر جنبش کارگری میهن ما

مستقل، و روشن کردن وظایف و نیز چالش‌های پیش روی جنبش کارگری مفید و مؤثر باشد. بی‌گمان رشد جنبش اعتراضی کارگران، در سال گذشته، و افزایش کمی آن، نکته‌ی قابل تأمل و مهم در مبارزات یک ساله آن است. از این روی، واکاوی

ادامه در صفحات ۲ و ۳

جنبش کارگری میهن ما در حالی روز جهانی کارگر را برگزار می‌کند که سالی پرفرازونشیب را پشت سر گذاشته و تجربه‌های نویی در مبارزه برای تأمین منافع سیاسی - صنفی خود اندوخته است. مروری بر مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، در طول یک ساله اخیر، می‌تواند برای ارائه ارزیابی‌ای از کیفیت جنبش اعتراضی کنونی، عملکرد سندیکاها

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۹۷۲، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴
دوره هشتم، سال بیست و هشتم

همبستگی پر شور جهانی با جنبش کارگری و سندیکایی ایران در ص ۸
زنان کارگر، و مبارزه برای تأمین منافع صنفی - سیاسی در ص ۱۲

فعالان کارگری را آزاد کنید!

در آستانه برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، گزمگان رژیم استبدادی ولایت فقیه با تشدید فشار بر فعالان کارگری باریگر ماهیت ضد مردمی و کارگر ستیز خود را به نمایش گذاشتند. بر اساس گزارش‌های رسیده ماموران نیروهای انتظامی ابراهیم مددی و داود رضوی از سندیکای کارگران شرکت واحد، محمود صالحی از کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و عثمان اسماعیلی از کمیته دفاع از کارگران مه‌یاد، را در آستانه برگزاری روز اول ماه مه دستگیر کردند. افزون بر این در هفته‌های اخیر فشارهای نیروهای امنیتی بر فعالان کارگری و سندیکایی افزایش چشمگیری داشته است. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این اعمال ضد انسانی ماموران امنیتی رژیم خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه فعالان کارگری، و همه زندانیان سیاسی - عقیدتی است. باید با کارزار گسترده بین المللی رژیم را وادار به آزادی مبارزان دربند کرد.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، به مناسبت اول ماه مه:

پیش به سوی سازمان دهی مبارزه منسجم و
سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد بی عدالتی
و محرومیت‌ها، سرکوب حقوق صنفی کارگران، و
در راه طرد رژیم استبدادی حاکم!



کارگران و زحمتکشان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرارسیدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز جهانی کارگر، روز گرامی داشت نبرد تاریخی و غرورآفرین طبقه کارگر و زحمتکشان جهان در ۱۲۹ سال پیش برای رهایی از بندهای استثمار و ستم سرمایه جهانی، و برای دستیابی به حقوق سندیکایی را به شما پیکارگران ثابت قدم راه آزادی، استقلال، صلح،

دموکراسی، و عدالت اجتماعی در میهن، شادباش می‌گوید. ۱۲۹ سال پیش، روز اول ماه مه ۱۸۸۶، کارگران نساجی شیکاگو، با نبردی قهرمانانه، به هدف دست یافتن به خواست‌های برحقشان، طلایه‌دار مبارزه پیگیر طبقه کارگر با سرمایه‌داری شدند،

مبارزه‌یی که تا کنون ادامه داشته است. کارگران جهان امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌روند که سیاست‌های مخرب سرمایه‌داری جهانی، چه

ادامه در صفحه ۶

بدرود رفیق نوروزیان ص ۳
هدفمندی یارانه‌ها، و تأثیر آن بر معیشت خانواده‌های کارگری ص ۴
اعلام نرخ سوده‌های بانکی، بر اساس سناریوهای تکراری ص ۱۱
کنگره های تاریخی
کمونست های هند ص ۱۳
دومین مرحله بنیادی انقلاب ملی
دموکراتیک در آفریقای جنوبی ص ۱۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!



جنبش اعتراضی کنونی به رغم رشد کمی اش، دارای ضعف‌هایی نیز هست که توجه به آنها مهم است. به عنوان نمونه اعتراض‌های اخیر معلمان به لحاظ فراگیر بودن نسبت به دیگر اعتراض‌ها چشمگیر بوده‌اند، ولی از حمایت گسترده کارگران کشور برخوردار نبود. باید کوشید اعتراض‌های معلمان با دیگر حرکت‌های اعتراضی کارگران پیوند و ارتباط داد. فراخوان معلمان برای تجمع سراسری برای ۱۷ اردیبهشت‌ماه می‌تواند از حمایت سندیکاهای مستقل و جنبش اعتراضی کنونی کارگران برخوردار گردد. از جمله مسایلی که فعالان جنبش باید به آن توجه ویژه مبذول دارند ارتقاء کیفیت سازمان‌یافتگی سراسری و هماهنگ اعتراض‌های کارگری است. در بخش اساسی حرکت‌های اعتراضی یک‌ساله اخیر سطح سازمان‌دهی اعتراض‌ها، اعتصاب‌ها، تجمع‌ها، امضای تومارها، و جز این‌ها، در حد مطلوب نبوده است. از مسایلی دیگری که توجه به آن ضرور می‌نماید تلاش در راه ارتقاء سطح همبستگی در حرکت‌های اعتراضی کارگران خصوصاً هنگامی که این حرکت‌های در یک شهر و یا در یک رشته معین صنعتی، از جمله نساجی، نفت، و پولاد صورت می‌گیرد.

حرکت‌های اعتراضی کارگران در سال گذشته و خصوصاً در هفته‌های اخیر حاکی از تلاش جنبش برای خارج شدن از حالت تدافعی سال‌های گذشته است. نکته دیگر اینکه تشکل‌های زرد کارگری و دولت روحانی علاوه بر تلاش برای کنترل و سرکوب حرکت‌های اعتراضی کارگران خواهان جلوگیری از تلفیق شعارهای صنفی حرکت‌های اعتراضی، از جمله پرداخت حقوق‌های معوقه، بالا بردن دستمزدها و مخالفت با قرارداد‌های سفید امضاء با شعار خواست تشکل‌های سندیکاهای مستقل کارگری و مبارزه سازمان یافته کارگران برای تحقق این امر مهم هستند.

راهبرد رژیم ولایت فقیه که نهادهایی چون کانون‌های شوراهای اسلامی کار، انجمن‌های اسلامی، و دیگر تشکل‌های زرد و ارتجاعی، بازوی اجرایی آن در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی صنعتی و خدماتی اند، جلوگیری از ارتقاء سطح مبارزاتی جنبش کارگری و فراروئیدن آن به مبارزه‌ی تهاجمی است. تمام سیاست رژیم و دولت روحانی و وزارت کارش، تحمیل حالت تدافعی به جنبش کارگری بوده و است. مسئولان حکومت به‌خوبی آگاه‌اند که در صورت رشد کیفی جنبش اعتراضی و تحول یافتن آن به جنبشی سازمان‌یافته و متحد، رخداد‌های صحنه سیاسی کشور از تأثیر این نیروی اجتماعی پرتوان نمی‌تواند دور بماند. در عین حال، اگر جنبش اعتراضی پراکنده کنونی به سطح کیفی‌ای مطلوب فراروید، مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی و احیا و برپایی سندیکاهای واقعی‌ای به مرحله‌ی نو وارد می‌گردد و طبقه کارگر ایران به تشکل صنفی سندیکایی واقعی و طبقاتی خود مسلح خواهد شد. در این صورت، این جنبش نه تنها در تأمین حقوق صنفی رفاهی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان نقش مؤثری خواهد داشت، بلکه در مقام گردان اجتماعی‌ای تأثیرگذار در مبارزه با استبداد ولایتی، ارتجاع، و در راه تأمین خواست‌های عام دموکراتیکی همچون آزادی فعالیت انجمن‌ها، سندیکاهای، حزب‌ها، و نیز دیگر حقوق و آزادی‌های دموکراتیکی نظیر آزادی بیان، اندیشه، قلم، نوشتن و نشر، و اجتماعات، و همچنین مبارزه برای برقراری عدالت اجتماعی و برضد فقر و ژرفش شکاف طبقاتی - و در کنار آن - تضمین حق حاکمیت و استقلال

ادامه جنبش کارگری، دورنمای ...

علت‌ها و زمینه‌های پیدایش جنبش اعتراضی، و در بطن آن، توجه به خواست‌های سیاسی و صنفی طبقه کارگر، از اهمیت جدی برخوردار است. به‌ویژه آنکه، این واکاوی، وظایف و چالش‌هایی که جنبش کارگری - در مقطع زمانی حساس کنونی - با آن‌ها روبه‌روست را بهتر و دقیق‌تر مشخص می‌کند.

* سیاست‌های اقتصادی، و نقش آن‌ها در زندگی زحمتکشان:

اجرای برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، در بیش از دو دهه اخیر، نقشی بسیار مخرب در زندگی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور داشته است. از زمان اجرای برنامه "تعديل اقتصادي" در دولت رفسنجانی تا به امروز - که دولت روحانی در چارچوب راهبرد احیای مناسبات رژیم با امپریالیسم، برنامه "آزادسازی اقتصادی" را گام‌به‌گام و در پیوند با سرمایه جهانی دنبال می‌کند - کارگران و زحمتکشان نخستین قربانیان این سیاست‌ها بوده‌اند. کاهش قدرت خرید کارگران، افت سطح زندگی آنان، رواج قرارداد‌های موقت، اصلاح و تغییر قانون کار و قوانین تأمین اجتماعی در راستای جلب و جذب سرمایه انحصارهای امپریالیستی، و شتاب دادن به برنامه خصوصی‌سازی در این مدت‌زمان از سوی دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی، به نابودی امنیت شغلی کارگران و فقر شدید خانوارهای کارگری منجر شده‌اند. بنا بر آمار رسمی - از جمله برآوردهای مرکز آمار و ارزیابی بانک مرکزی جمهوری اسلامی - خط فقر در کلان‌شهرهای کشور ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. مقایسه این رقم با مبلغ دستمزد امسال کارگران، که شورای عالی کار تصویب کرده است، به‌خودی‌خود گویا و بی‌نیاز از هرگونه توضیح و تحلیلی است.

حداقل دستمزد امسال مشمولان قانون کار، بنا بر مصوبه ۲۵ اسفندماه ۹۳ شورای عالی کار، معادل ۷۱۲ هزار و ۴۲۵ تومان [مبلغی معادل یک‌پنجم خط فقر] تعیین شده است. این به‌معنای حرکت هدفمند رژیم ولایت فقیه به سمت آزادسازی دستمزدها در چارچوب قانون هدفمندی یارانه‌هاست. بی‌دلیل نیست که مجلس شورای اسلامی - هم‌زمان با مصوبه شورای عالی کار برای حداقل دستمزد امسال - طرح ارائه‌شده از سوی دولت با نام "خروج از رکود اقتصادی" را تصویب کرد که در آن، تغییر قانون کار، به‌ویژه ماده‌های حمایتی آن [از کارگران]، در اولویت قرار داده شده است. به‌علاوه، آمارهای رسمی حاکی از آن است که در حال حاضر ۹۰ درصد کارگران کشور با قرارداد‌های موقت مشغول به‌کارند. خصوصی‌سازی نیز به نابودی امنیت شغلی زحمتکشان منجر شده است. خصوصی‌سازی جز غارت ثروت ملی و دستبرد به اموال عمومی به‌هدف انباشت سرمایه به‌بهای فقر اکثریت توده‌های مردم، و به‌ویژه طبقه کارگر، معنایی نداشته و ندارد. اکنون پس از توافق اولیه هسته‌ای در لوزان سوئیس، برنامه خصوصی‌سازی اولویت اصلی دولت روحانی و رژیم است، و از این‌رو، فشارهای بیشتر بر کارگران و پیامال شدن هرچه بیشتر منافع آنان را باید منتظر بود. در سال جاری، فاز سوم هدفمندی یارانه‌ها در حال اجراء است و برنامه آزادسازی قیمت‌ها در دستورکار رژیم قرار دارد. آزادسازی قیمت نان نخستین گام در این جهت است و بیش از پیش زندگی کارگران و زحمتکشان را به‌نابودی و اضمحلال می‌کشاند. اجرای برنامه‌هایی که در بالا بدان‌ها اشاره شد، و در کنار آن‌ها، سیاست مهار و سرکوب جنبش کارگری و مهندسی خواست‌های زحمتکشان که با سرکوب خشن و نرم نیز همراه است، نارضایتی کارگران و زحمتکشان را موجب شده‌اند و زمینه عینی رشد و گسترش جنبش اعتراضی کنونی کارگران را فراهم آورده‌اند.

* جنبش اعتراضی پراکنده کارگران، و ضرورت سازمان‌دهی آن:

آنچه در یک‌ساله اخیر در جنبش کارگری و سندیکایی به‌وضوح به‌چشم می‌خورد، رشد کمی اعتراض‌های کارگری است. روشن است که فعالیت گسترده نیروهای امنیتی و پیگرد مداوم فعالان جنبش کارگری دشواری‌های فراوانی را پیش روی سازمان‌دهی وسیع حرکت‌های اعتراضی کارگران و زحمتکشان ایجاد می‌کند که باید تلاش کرد بر آنها غلبه کرد. بر این اساس

بدرود رفیق اسماعیل نوروزیان



خبردار شدیم رفیق اسماعیل نوروزیان روز ۲۳ بهمن ماه سال ۱۳۹۳ در زادگاه خود، در قزوین درگذشته است. ما فقدان او را به خانواده و به همه دوستان و یاران او تسلیت می‌گوییم و یاد خاطره او را گرامی می‌داریم.

رفیق نوروزیان سال ۱۳۰۸ در شهر قزوین و در خانواده ای آزادی خواه و عدالت جو به دنیا آمد. و در پی حوادث سال ۱۳۲۰ و تأسیس حزب توده ایران، با آن که نوجوانی بیش نبود، به فعالیت های مردمی و آزادی خواهانه روی کرد و، در سال ۱۳۲۴ پس از گذراندن دوره های

آمایشی و عضویت در سازمان جوانان به عضویت رسمی حزب در سازمان قزوین درآمد. در پی یورش ارتجاع به فرقه دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۵ که دفتر حزب در قزوین نیز به آتش کشیده شد، و به رغم آزاد بودن نسبی فعالیت های حزب در تهران و دیگر نقاط کشور، فعالیت حزب در قزوین ممنوع اعلام شد. ولی رفیق نوروزیان تا کودتای ۲۸ مرداد، شهر را ترک نکرد و هم چنان در صفوف حزب به فعالیت خود ادامه داد، به مرور به یکی از چهره های مشخص حزب در منطقه و به یکی از مبلغان و مسئولان اصلی و پرشور کمیته ولایتی حزب در قزوین بدل شد؛ هم در این دوران بود که از طرف سازمان ولایتی حزب برای شرکت در کلاس کادرها و کلاس های تئوریک در تهران، به کمیته ی مرکزی معرفی شد و به هنگام اخذ گواهی نامه در پایان این کلاس ها از طرف کمیته مرکزی حزب تشویق نامه دریافت کرد. او که در این دوران مسئولیت های مختلف و متعددی را در کمیته ولایتی برعهده داشت، در مقام مسئول سازمان جوانان در انسجام و استحکام این سازمان نقش بسزایی ایفا کرد و در مقام مسئول کمیته دهقانی در شکل گیری و گسترش حوزه های دهقانی در سطح منطقه نقش اصلی را داشت. در این مدت بارها در زادگاه خود بازداشت و به زندان افتاد و برای مدتی با برخی کادرهای با تجربه فرقه دموکرات آذربایجان که دوران محکومیت خود را در زندان قزوین سپری می کردند، هم بند بود.

رفیق نوروزیان در روز کودتای ۲۸ مرداد با آن که چند روزی بیش از ازدواجش نگذشته بود، بنا به دستور حزب ناگزیر از ترک شهر شد و به عنوان عضوی از هیات مسئولان یکی از کمیته های محلی سازمان ایالتی تهران، به زندگی و فعالیت مخفی روی آورد. در نیمه دوم سال ۱۳۳۳ بازداشت و به زندان افکنده شد. او در زندان نیز، همچنان، پرشور به آرمان خود وفادار ماند و به دلیل شرایط ناگوار حاکم بر سلول خود، مسلول شد و در اثر ابتلا به سل، بیدادگاه برآمده از کودتا پس از گذشت حدود یک سال، ناگزیر حکم به آزادی او داد. رفیق اسماعیل پس از آزادی و پس از مداوای بیماری جانکاه سل، از پی آزادی برادر بزرگ تر خود به قزوین بازگشت و از آن جا که دل بستگی عمیقی به زادگاه خود داشت، تا آخر عمر و به رغم بی مهری ها، فشارها و تبلیغات مسموم دستگاه های امنیتی و برخی دلتمردان هر دو نظام، حاضر به ترک آن نشد.

رفیق نوروزیان پس از بازگشت به زادگاه خود در سال ۱۳۴۶ همراه با برادر بزرگ تر خود همواره نسبت به خدمات عمرانی در این شهر کوشا بودند و در این راه آثار فراوانی از خود به جای گذاشتند. رفیق در پی پیروزی انقلاب در صفوف حزب به مبارزه خود ادامه داد و به اتهام کمک مالی به حزب بازداشت و با حکم مصادره اموال روبرو شد. رفیق نوروزیان در ۸ اردیبهشت سال ۱۳۶۲ و در یورش دوم به کادرها و اعضای حزب بار دیگر دستگیر و با شکنجه های فراوان روبرو شد؛ به گونه ای که حتا گذشت سال ها نیز نتوانست آثار آن ها را از کف پاهای او بزدايد. دوران بازداشت او به حدود ۲ سال ادامه یافت؛ مقاومت او از جمله عدم اعتراف به اتهامات واهی دستگاه های سرکوبگر و نیز، نارضایتی ها، شکواییه ها و اعتراضات فزاینده مردمی و حتا برخی دولت‌مردان شهر نسبت به تداوم این بازداشت، موجب شد تا ناگزیر حکم به آزادی او داده شود.

رفیق نوروزیان پس از آزادی هم چنان تا واپسین دم زندگی به آرمان های مردمی خود وفادار ماند؛ به مثابه مبلغی پرشور هیچ فرصتی را برای روشنگری فرونگذاشت و در همه حال تا آن جا که در توان داشت از گره گشایی آشنایان دور و نزدیک دریغ نورزید. گفته می شود خانه ی او در تمام این سال ها به خانه ی امید رفا، دوستان، خویشان و همسایگان و به طور کلی، آشنایان دور و نزدیک بدل شده بود. حضور گسترده مردم از طبقات و قشرهای مختلف شهر به هنگام بدرود با او در تشییع، در تدفین و در دیگر مراسم بزرگداشتش پاسخی به روحیه عمیق-مردم دوستی، پایبندی راسخ به آرمان های مردمی و نگاه وحدت طلبانه او بود.

یاد و راه او را پاس می‌داریم.

ادامه جنبش کارگری، دورنمای ...

ملی، بسیار فعال و سرنوشت ساز خواهد بود. بر پایه آنچه در بالا مورد اشاره قرار گرفت، لزوم سازمان دهی جنبش اعتراضی کنونی و خارج کردن آن از حالت تدافعی، با استفاده از همه امکان ها و روزه ها، و بر پایه درکی درست و خلاق از وضعیت و پافشاری بر استقلال عمل و هویت طبقاتی، وظیفه ی درنگ ناپذیر است.

* اتحاد عمل و تشدید مبارزه با سیاست های رژیم:

یکی از مهم ترین نیازمندی های جنبش کارگری-سندیکایی در مرحله کنونی، تقویت صف های آن با اتحاد عمل گسترده و حفظ هویت طبقاتی است. هرگونه اقدام تفرقه افکنانه و طرح شعارهایی که از توان و ظرفیت جنبش اعتراضی موجود خارج باشد، به شدت به زیان منافع طبقه کارگر و جنبش کارگری-سندیکایی است.

فعالان و مبارزان جنبش سندیکایی می باید با حفظ هوشیاری از دام های گسترده از سوی رژیم دوری جویند و توطئه های رژیم در این زمینه را افشا کنند. رژیم کوشیده است و می کوشد تا جریان های معینی را تقویت کند و با جوسازی و بزرگ نمایی، این جریان ها را مطرح کند و از این طریق انرژی جنبش کارگری را به هز برده، و در نهایت، جنبش را به کنترل درآورده و آن را به انزوا بکشاند. طرح شعارهای تند و نابهنگام، و به وجود آوردن سردرگمی در صف های جنبش اعتراضی کنونی، به اتحاد عمل جنبش سندیکایی کارگران لطمه می زند. ما بارها تأکید کرده ایم که، اختلاف نظرهای موجود در جنبش سندیکایی در راه اتحاد عمل و وحدت سندیکایی برای نیل به هدف های مشترک، هرگز مانع هایی غلبه ناپذیر نیستند و نمی توانند باشند. سنگ پایه سیاست حزب ما در ارتباط با مسئله های سندیکایی بر این واقعیت استوار است که: جنبش سندیکایی- با همه گونه گونی نظری- سیاسی طیف های مختلفش- به منظور احیای حقوق سندیکایی و مقابله با رژیم ولایت فقیه و سیاست های آن، می تواند و باید به اتحاد عمل دست یابد. وجود سازمان سندیکایی ای نیرومند، مردمی، متشکل، و معتقد به سمت گیری طبقاتی که درهایش به روی همه مزدبگیران و زحمتکشانش یدی و فکری باز باشد، نیازی انکارناپذیر است.

نکته مهم دیگر در این زمینه اینکه، مبارزه در راه دستیابی به حقوق سندیکایی، حق اعتصاب، و حق برپایی سازمان های سندیکایی، بدون مبارزه ی جدی و همه جانبه با سیاست های اقتصادی اجتماعی دولت و رژیم- به ویژه برنامه هایی مانند آزادسازی اقتصادی (هدفمندی یارانه ها)، خصوصی سازی، مقررات زدایی و نظایر آن- امکان ناپذیر است.

باید خواسته هایی همچون افزایش واقعی و عادلانه دستمزدها، لغو قراردادهای موقت، ایجاد شرایط ضرور برای جلوگیری از سوانح و حوادث کاری و توقف خصوصی سازی را با خواست احیای حقوق سندیکایی و خواست های سیاسی صنفی کارگران و زحمتکشانش پیوند زد، و آگاهانه و هدفمند، با برنامه های رژیم مبارزه کرد.

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشانش، ستون فقرات و نیروی تأثیرگذار اجتماعی در مبارزه برای آزادی، عدالت اجتماعی، تضمین حق حاکمیت مردم، و استقلال و حاکمیت ملی اند. باید از هر جهت به تقویت و توانمندسازی جنبش کارگری-سندیکایی پرداخت!



منجر گردیده است. به عبارت دقیق تر، به موازات برنامه خصوصی سازی در چارچوب "اقتصاد مقاومتی" ولی فقیه، آزادسازی دستمزد و ارزان سازی نیروی کار کشور در دستور کار دولت، مجلس، و تمامی دستگاه های جمهوری اسلامی قرار دارد. هدف مشخص است: نابودی امنیت شغلی کارگران به نام تأمین امنیت سرمایه و جلب و جذب سرمایه خارجی! در این راه، رژیم ولایت فقیه با تمامی امکان هایش درصدد میاگردن نیروی کار ارزان و مطیع است. بلافاصله پس از تفاهم نامه لوزان، وزیر صنعت دولت روحانی به همراه گردانندگان فاسد بنیادهای انگلی، طرح گسترش مناطق آزاد و ویژه تجاری- اقتصادی را مهم ترین وظیفه به منظور جلب سرمایه خارجی معرفی کردند. برنامه خصوصی سازی، با آزادسازی دستمزدها و سیاست ضدکارگری "انطاف در بازار کار" در پیوند است. مبارزه با برنامه خصوصی سازی، مبارزه یی فوق العاده پراهمیت در راه احیای حقوق سندیکایی زحمتکشان و تأمین منافع سیاسی و صنفی آنان است!



نابودی امنیت شغلی زحمتکشان، با اجرای اقتصاد مقاومتی ولی فقیه

به دنبال تفاهم نامه "لوزان" و تبلیغات پرسروصدای حکومتی پیرامون لغو تحریم ها، رفع آن ها و بهبود وضع اقتصاد کشور، حسن روحانی، در جریان نشست ستاد هماهنگی اقتصاد مقاومتی، اعلام داشت که، دولت تمام امکانات خود را برای اجرای رهنمودهای رهبری در خصوص پیاده کردن اقتصاد مقاومتی به کار خواهد گرفت. پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، ۱۵ فروردین ماه در این باره گزارش داده بود: "رییس جمهور در یک صد و چهارمین جلسه ستاد هماهنگی اقتصاد مقاومتی، بر جهت گیری تلاش همه دستگاه ها در سال جدید برای رونق و اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی تأکید کرد... رییس جمهور با اشاره به فضای تازه اقتصادی و زمینه سازی برای رفع موانع تحریمی... از تیم اقتصادی دولت خواست زمینه تسهیل سرمایه گذاری و حضور فعال بخش خصوصی در حوزه های با اولویت اقتصادی را فراهم کند." در ادامه این گزارش قید گردیده است: "روحانی تأکید کرد، آسان سازی فرآیندهای اداری کسبوکار... لازمه شتاب گرفتن بخش خصوصی است." پیش از این نیز وزیران صنعت، کار، و امور اقتصادی، با تأکید یادآوری کرده اند که، اولویت نخست دولت در سال ۱۳۹۴، مقررات زدایی و سرعت بخشیدن به فرآیند خصوصی سازی به ویژه خصوصی سازی صنایع کلیدی است. برنامه خصوصی سازی، که از زمان دولت رفسنجانی در سال های آغازین دهه هفتاد خورشیدی در میهن ما به اجرا گذاشته شده است، بر زندگی، امنیت شغلی، و آینده طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان اثری ویرانگر باقی گذارده است.

هدفمندی بارانه ها، و تأثیر آن بر معیشت خانواده های کارگری

حذف بی رحمانه بارانه ها، در حکم بخش جدایی ناپذیری از برنامه های آزادسازی اقتصاد- برنامه های اقتصادی ای دیکته شده از سوی نهادهای امپریالیستی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی- با ترفندی زیر نام: هدفمندی بارانه ها، به وسیله دولت برآمده از کودتای انتخاباتی ۸۸، یعنی دولت منفور احمدی نژاد، در سال ۸۹ آغاز گردید. ادامه اجرای این قانون ضدملی در فاز دوم آن، در دولت برآمده از مهندسی انتخابات ۹۲، دولت "تدبیر و امید" روحانی، در ماه های پایانی سال ۹۲ آغاز گردید. اجرای این قانون ضدملی، در هر دو فاز اول و دوم آن، با ترفند کمک به تولید، به مردم تحمیل شد و در اجرای هر دو فاز آن، "سهم تولید" از درآمدهای حاصل از دستبرد به سفره های کارگران و زحمتکشان، به فراموشی سپرده شد. علاوه بر افزایش نجومی قیمت مواد مورد نیاز کارگران و زحمتکشان در چهار سال اخیر در دنبال افزایش سرسام آور قیمت حامل های انرژی، هزاران کارخانه تولیدی تعطیل و میلیون ها کارگر کشورمان نیز بیکار شدند. دولت "زور و تزویر" روحانی، اجرای فاز سوم این قانون ضدملی را آغاز کرده است، و مطابق معمول، در رابطه با "کمک به تولید" به وسیله درآمدهای حاصل از حذف بیش از پیش بارانه ها و افزایش قیمت حامل های انرژی در سال ۹۴، وزیر صنعت به خبرگزاری ایسنا، ۲۳ فروردین ماه، گفت: "پیش بینی شده از محل [حذف] بارانه ها [سوسیدها] ۵۲۰۰ میلیارد تومان به بخش های تولیدی... اختصاص یابد." بخشی از درآمدهای حاصل از حذف بارانه ها- در فاز اول [هدفمندی بارانه ها] در سال ۸۹- که قرار شد [بارانه نقدی] به صورت ماهیانه نفری ۴۵ هزار تومان به مردم تعلق بگیرد "در حال حاضر ارزشی حدود ۱۰ تومان دارد [۲۳ فروردین ماه]. با این وصف، همانند تشویق ها، ترفندها، و تهدیدهایی که ۱۴ ماه پیش برای قطع پرداخت همان ۴۵ هزار تومان به مردم به کار برده شد- با بهانه کسری بودجه- دولت "زور و تزویر" روحانی با زهم نیروهایش را برای حذف تدریجی "بارانه بگیران"، به میدان آورده است. با اینکه، بنا بر گزارش ایسنا، تابستان گذشته، طبیب نیا، وزیر اقتصاد، گفته بود: "اگر بخواهیم به طور قطعی و بدون خطا بارانه بگیران را حذف کنیم فقط حدود ۲۰۰ هزار نفر قابل حذف کردن هستند"، مکارم شیرازی، از روحانیون حکومتی که به سلطان شکر شهرت دارد، به ایسنا، ۵ اردیبهشت ماه، گفت: "پرداخت بارانه ها از اول نیز اشتباه بود... ما معتقدیم بیش از نیمی از مردم کشور نیازی به بارانه ۴۵۰۰۰ تومانی ندارند... این گونه پول ها اشکال شرعی دارد"، و علیرضا محجوب، دبیرکل ضدکارگر "خانه کارگر"، به ایسنا، ۵ اردیبهشت ماه، گفت: "دولت امسال پذیرفته است که ۵ درصد قیمت حامل های انرژی را اضافه کند، اما از ۵ درصد چقدر حاصل می شود که دولت یارانه بدهد؟... آیا الزاماً باید به همه کسانی که نیازمندند به جای کار پول تعارف کنیم." به منظور توجیه هدف رژیم برای قطع پرداخت وجه نقدی ۴۵۰۰۰ تومانی، خبرگزاری ایسنا، ۲۴ اسفندماه ۹۳، نوشت: "دولت باید برای پرداخت بارانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی به ۷۶ میلیون نفر بیش از ۴۲ هزار میلیارد تومان هزینه کند... تبصره ۲۱ قانون بودجه امسال، پیش بینی درآمد ۴۸ هزار میلیارد تومانی از محل اجرای قانون هدفمندی بارانه ها برای دولت را تعیین کرده است. اما با توجه به شیب ملایم افزایش قیمت حامل های انرژی به ویژه بنزین و گازوئیل در سال جاری کارشناسان در تحقق این درآمد تردید دارند."

دولت، در رابطه با "شیب ملایم افزایش قیمت حامل های انرژی"، در ماه های آغازین سال ۹۳، قیمت گاز، برق، و بنزین را به ترتیب ۲۰، ۲۵، و ۷۵ درصد افزایش داد. خبرگزاری مهر، در آخرین ماه سال ۱۳۹۳ [اسفندماه]، گزارش داد: "گاز یک ساله سه بار گران شد. همین خبرگزاری، ۴ اردیبهشت ماه ۹۴، گزارش داد: "همزمان با افزایش بار مالی قبوض گاز

بنا بر آمار رسمی، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار ثروت ملی ایران در جریان برنامه خصوصی سازی از دست دولت خارج شده و در اختیار لایه یی کوچک اما بسیار ثروتمند جامعه قرار گرفته است. به موازات این ثروت اندوزی لایه یی کوچک، میلیون ها تن از زحمتکشان سراسر کشور نه تنها به ورطه فقر پرتاب شده اند و از دسترسی به ابتدایی ترین امکانات های زندگی محروم گردیده اند، بلکه مجموعه یی از قوانین و مقررات در عرصه اقتصادی- اجتماعی، خصوصاً در مورد بازار کار، وضع گردیده و به اجرا گذاشته شده اند که پیامد آن ها نابودی امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان بوده و است! نباید فراموش کنیم که قراردادهای موقت در درجه نخست نتیجه اجرای برنامه خصوصی سازی است. در دهه ۷۰ خورشیدی حسین کمالی، از سران و گردانندگان اولیه خانه کارگر که اکنون رهبری حزب اسلامی کار را نیز یدک می کشد، مطابق برنامه دولت رفسنجانی برای تأمین "امنیت سرمایه"، به امضای قراردادهای موقت به جای قراردادهای دائم و دسته جمعی، "جامه قانونیت" پوشاند. این سیاست ضدکارگری اکنون در دولت روحانی و در قالب طرح "خروج از رکود"- "که به تصویب مجلس رسیده است- ادامه یافته و به اصلاح و تغییر قانون کار و قوانین تأمین اجتماعی

ادامه رویدادهای ایران ...

در سال ۹۴، معاون وزیر نفت از دستورات جدید رئیس‌جمهور برای افزایش ۲۰ درصدی قیمت گاز به صورت یکسان برای ۱۲ پیلکان مصرفی در کشور خبر داده است. " برای اینکه مردم افزایش سرسام‌آور قیمت گاز را متوجه نشوند، واپس‌گرایان قبض‌های گاز را که قبلاً برای "دوره‌های مصرفی ۳۵ تا ۴۱ روزه صادر" می‌کردند، به "دوره‌های ۲۰ تا ۲۵ روزه" کاهش داده‌اند. واقعیت این است که منابع مالی وجه

موضع‌گیری‌های ولی‌فقیه، با دروغ‌پردازی و بزرگ‌نمایی بیانیۀ لوزان، گفت: "می‌توان این مرحله از مذاکرات را آغازی امیدبخش دانست که در آن طرفین بر به رسمیت شناختن کلیات حقوق یکدیگر اذعان کرده‌اند... هشیارترین تیم ممکن مذاکرات رفتند. مردم انتظار نتایج درخشانی از آن‌ها دارند و مطمئناً این انتظارات برآورده خواهد شد."
به فاصله اندک زمانی پس از این موضع‌گیری، رئیس‌کانون‌عالی شوراهای اسلامی کار خراسان شمالی، به نیابت از جانب مسئولان کانون‌عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور، اعلام کرد: "با لغو تحریم‌ها و بازگرداندن پول‌های بلوکه‌شده ایران،



تقدی ۴۵ هزار تومانی، از حذف پارانها [سوسپیداها] و افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سال ۸۹ تأمین شده بود. ایسنا، ۲۳ آذرماه ۹۳، نوشت که، با افزایش "۲۰ درصدی... قیمت انرژی و سایر کالاها پارانهای [در سال ۹۱]... میزان درآمدهای [برنامه] هدفمندی پارانها [در مجموع ۱۲ هزار میلیارد تومان نسبت به سال ۱۳۹۰] افزایش یافته و به ۶۶ هزار میلیارد تومان رسید." همین خبرگزاری، اردیبهشت‌ماه ۹۴، گزارش می‌دهد: "امسال در بودجه کل منابع هدفمندی [پارانها] ۵۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است." با وصف اینکه منابع مالی ۴۵ هزار تومان در سال ۸۹ حاصل شده بود و نیز هرسال هم رژیم منابع مالی کلان بیشتری از دستبرد به سفره زحمتکشان به دست آورده است، علی‌رغم، وزیر کار امنیتی رژیم، روز ۴ اردیبهشت‌ماه ۹۴، گفت: "مجلس در سال ۹۴ هم حدود شش هزار میلیارد تومان را از بودجه پیشنهادی دولت حذف و دولت را مکلف کرد که به همین میزان افراد غیر نیازمند را از پاران‌بگیران حذف کند." مبارزه سازمان یافته و متحد کارگران با سیاست آزادسازی اقتصاد، از اولویت‌های مرحله کنونی مبارزه برای تأمین منافع طبقاتی کارگران است.

تشکل‌های زرد برای انحصارهای امپریالیستی کف می‌زنند

پس از اعلام امضای تفاهم‌نامه لوزان میان جمهوری اسلامی و کشورهای "۵ به علاوه ۱"، تشکل‌های زرد و ارتجاعی وابسته به حکومت نیز به پیروی از سیاست هدفمند رژیم، به کاروان دروغ‌پردازی پیرامون اثرهای فوری این توافق بر اقتصاد ایران و بهبود اوضاع پیوستند. تشکل‌های زردی مانند کانون‌عالی شوراهای اسلامی کار و نظایر آن، برای فریب کارگران به همان دروغ‌هایی متوسل شدند که رهبران و مسئولان رژیم در طول هفته‌های اخیر مبلّغ آن بوده‌اند: لغو همزمان تحریم‌ها با توافق نهایی، رفع تحریم‌ها، و ورود سرمایه‌گذاران خارجی که به ایجاد اشتغال منجر خواهد شد، از زمره تبلیغات هفته‌های اخیر تشکل‌های به اصطلاح کارگری وابسته به حکومت بوده است.

علی‌رضا محبوب، دبیرکل خانه‌کارگر، به پیروی از

راه ورود سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی به کشور هموار می‌شود و گشوده شدن درهای سرمایه‌گذاری به رونق اشتغال می‌انجامد... تنظیم روابط کار که خود عرضه و تقاضای شغل است، در قدرت چانه‌زنی تشکل‌های کارگری و کارفرمایی... تأثیر بسزایی دارد. دولت و مذاکره‌کنندگان در چارچوب خط قرمز کشور حرکت کردند و نرمش قهرمانانه مورد تأکید رهبری را از خود به نمایش گذاشتند. امسال هم همدلی و هم‌زبانی میان دولت و ملت به معنای واقعی مشاهده می‌شود تا در یازدهم تیرماه یک توافق غیرتمندانه برای کشور رقم بخورد."

این سخنان جز پاشیدن خاک به چشم کارگران معنای دیگری ندارد. با این موضع‌گیری می‌توان بهتر و روشن‌تر به ماهیت واقعی تشکل‌های زرد و حکومتی پی برد. تشکلی که داعیه حمایت از حقوق زحمتکشان را دارد و عملکرد خود را صنفی-سندیکایی معرفی می‌کند، به جای ابراز نگرانی از سرنوشت کارگران-باتوجه به تغییرهای ضدکارگری‌ای که در قوانین کار و تأمین اجتماعی داده شده است- به حمایت از ورود سرمایه خارجی به کشور و کف زدن برای انحصارها مشغول است. پرسش اینجاست که، چرا خانه‌کارگر و کانون‌عالی شوراهای اسلامی کار، انجمن‌های اسلامی، و نظایر آن‌ها، هیچ پیشنهاد و طرحی که حقوق بدیهی کارگران را در مقابل ورود سرمایه خارجی و انحصارها تأمین و تضمین کند، ارائه نکرده و نمی‌کنند و به جای آن، برای حضور شرکت‌های امپریالیستی کف می‌زنند و هورا می‌کشند؟ اصولاً وظیفه ارگان و نهادی با ماهیت سندیکایی-صنفی، حمایت از حقوق زحمتکشان و رصد رویدادها در این ارتباط، و همراه با آن، اقدام به پشتیبانی از منافع مزدبگیران است. اما تشکل‌های زرد و ارتجاعی حکومتی از هم‌اکنون برای کرنش به انحصارهای فراملی دست‌به‌سینه در صف مقام‌های رژیم ولایت‌فقیه به انتظار ایستاده‌اند! در مقابل این دروغ‌پردازی و وابستگی رژیم در مسائل کارگری، باید گفت که، اولاً تحریم‌ها مرحله‌به‌مرحله، و نه یک‌باره، ممکن است تعلیق شوند، و موضوع لغو کامل تحریم‌ها- بر اساس تفاهم‌نامه لوزان- منتفی است. دوم اینکه، طبقه کارگر ایران و تشکل‌های واقعی و طبقاتی زحمتکشان، ضمن اینکه از لغو تحریم‌ها و تنش‌زدایی در راستای منافع و حق حاکمیت ملی حمایت می‌کنند و با تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیستی همواره و قاطعانه مخالف بوده و هستند، اقدام‌های رژیم را برای جلب و جذب سرمایه خارجی به‌بهای از بین رفتن امنیت شغلی کارگران محکوم می‌دانند و با آن مبارزه می‌کنند. مبارزه با سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی رژیم از مبارزه با غارتگری انحصارهای امپریالیستی و تحمیل فقر به کارگران جدا نبوده، نیست، و نخواهد بود!

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

در عرصه اقتصادی و ادامه سیاست‌های مخرب نولیبرالی - که حاصل آن بحران فزاینده بیکاری و فقر صدها میلیون انسان زحمتکش در پهنه جهان بوده است - و چه در به کارگیری سیاست‌های نواستعماری، که به قصد کنترل بازارهای جهانی و منابع طبیعی کشورهای منطقه‌های مختلف جهان بوده است، به جنگ‌های محلی و تقویت و رشد فزاینده نیروهای افراطی به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و آفریقا و فاجعه عظیم کشتار مردم بی‌گناه و تخریب فرهنگ و تاریخ منطقه منجر شده است. رشد نیروهای جنایتکاری همچون داعش و متحده آن در برخی کشورهای آفریقایی - بر بنیان‌های نظری "اسلام سیاسی" و یاری‌رسانی‌های نیروهای تاریک‌اندیش و ضد‌مردمی‌ای از ایران و عربستان گرفته تا پاکستان - نتیجه مستقیم سیاست‌های مخرب و ضدانسانی‌ای است که امپریالیسم در دهه‌های اخیر در منطقه ما و دیگر کشورهای جهان پیش برده است

سرمایه‌داری جهانی درحالی‌که برای راهی از چنگال بحران عمیق و همه‌جانبه اقتصادی‌اش در دهه اخیر، هزاران میلیارد دلار دارایی‌های ملی در کشورهای مختلف را به سیستم بانکی و انحصارهای بزرگ سرازیر کرده است، در قبال کارگران سیاست‌های ریاضت‌کشی سخت‌گیرانه‌ای اعمال می‌کند. حقوق و آزادی‌های دموکراتیک طبقه کارگر و زحمتکشان جهان بیش‌ازپیش در معرض تهاجم سرمایه انحصاری و سیاست‌های مخرب و ضدانسانی آزادی بی‌قیدوشرط سرمایه برای استثمار خشن توده‌های محروم قرار گرفته‌اند. در آماري که مرکز آمار اروپا (یورو استات) منتشر کرده است شمار لشکر بیکاران در اروپا در بهمن ماه ۱۳۹۳ (فوریه ۲۰۱۵) از مرز ۲۳ میلیون نفر گذشته است، و در شرایط اعمال سیاست‌های مخرب "سخت‌گیری‌های اقتصادی" - تحمیل شده از سوی اتحادیه اروپا - درصد بیکاران در برخی از کشورهای اروپایی به مرزهای فاجعه‌باری رسیده است. بر اساس همین آمار، شمار بیکاران در یونان از مرز ۲۶ درصد و در اسپانیا از مرز ۲۳ درصد گذشته است و نرخ بیکاری جوانان در این کشورها از این رقم‌ها بسیار بیشتر است. بر اساس آخرین گزارش "سازمان بین‌المللی کار" ("ILO") - که در دی ماه ۱۳۹۳ (ژانویه ۲۰۱۵) منتشر شده است - روند تعمیق نابرابری اجتماعی و تشدید فقر و محرومیت، و در کنار آن، رشد بیکاری در کشورهای گوناگون جهان روبه افزایش است. بر اساس آمار ارائه‌شده در این گزارش، تا سال ۲۰۱۹ شمار بیکاران از مرز ۲۱۲ میلیون خواهد گذشت. این گزارش همچنین می‌افزاید که از سال ۲۰۰۸ (سال سقوط بازارهای سرمایه‌داری جهان) تا به امروز، بیش از ۶۰ میلیون شغل نابود شده است. در مقابل این تهاجم خشن سرمایه‌داری، طبقه کارگر در کشورهای گوناگون جهان، از جمله طلایه‌داران بیکار برای "جهانی بهتر"، رودررویی با سیاست‌های مخربی بوده است که سرنوشت بشر را با مخاطره‌هایی جدی روبه‌رو کرده‌اند. مبارزه طبقه کارگر در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، از جمله در یونان، اسپانیا، و پرتغال، در کنار حرکت کارگران و زحمتکشان در کشورهای آمریکای لاتین، آسیا، و خاورمیانه، در عرصه‌های گوناگون، نشانگر اوج‌گیری دوباره جنبش جهانی طبقه کارگر و اثرگذاری عمیق این مبارزه بر زندگی مردم سراسر جهان است.

کارگران و زحمتکشان میهن!

شما در شرایطی به استقبال روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، می‌روید که به دلیل سیاست‌های مخرب و خانمان‌برانداز رژیم ولایت‌فقیه و دولت برگمارده آن و همچنین ادامه تحریم‌های مخرب کشورهای امپریالیستی، ده‌ها میلیون تن از هم‌میهن‌مان، خصوصاً طبقه کارگر و زحمتکشان - در وضعیت بی‌سابقه فشارهای اقتصادی و محروم ماندن از تأمین زندگی حداقلی خود و خانواده‌های‌شان - با دشواری‌های عظیمی روبه‌رویند.

برخلاف همه دروغ‌های سران رژیم، از جمله علی‌خامنه‌ای، سیاست‌های مخرب و ضدملی حاکمیت در دهه گذشته نه تنها ایران را در رکود اقتصادی بی‌سابقه‌ای فرو برده است، بلکه تورم

افسارگسیخته، بیکاری میلیونی، ورشکستگی واحدهای تولیدی، و تشدید فقر و محرومیت، در مجموع، وضعیت بسیار دشواری را بر زندگی میلیون‌ها خانواده ایرانی حکم فرما کرده است. بر اساس گزارش منتشرشده از سوی "دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری" مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۳، شمار بیکاران رسمی در ایران، در پاییز سال ۱۳۹۳، به بیش از ۱۰/۵ درصد رسیده است و میزان بیکاری در گروه سنی "۱۵-۲۴" ساله از مرز ۲۵ درصد فراتر رفته است. نکته تکان‌دهنده دیگر در این آمار، سقوط چشمگیر میزان اشتغال در میان زنان جامعه ماست. بر اساس همین گزارش، درصد بیکاران زن از کل بیکاران کشور بیش از ۲۰ درصد است. بر اساس آخرین برآوردها، از سال ۱۳۸۴ (که آمار بیکاری زنان ۱۷ درصد تخمین زده می‌شد) تا امسال، وضعیت اشتغال زنان در میهن ما هرسال دشوارتر شده است. علی‌ریبی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت روحانی، در همین زمینه گفت: در یک سال منتهی به پاییز ۱۳۹۳ بیش از ۵۵۳ هزار نفر از زنان از چرخه فعالیت‌های اقتصادی خارج شده‌اند و شمار زنان بیکار به سه میلیون و ۷۴۹ هزار نفر در تابستان ۱۳۹۳ رسیده است. بیکاری مزمن، در کنار تورم افسارگسیخته، همراه با سقوط چشمگیر توان مالی و قدرت خرید زحمتکشان، و در زیر خط فقر بودن ده‌ها میلیون ایرانی، بیانگر واقعیت تکان‌دهنده زیستن در رژیم ولایت‌فقیه - "نظام نمونه" جهان - است.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

زودیک به دو سال از روی کار آمدن دولت حسن روحانی می‌گذرد. دولت "تدبیر و امید" در دو سال گذشته نه تنها هیچ گام مثبتی در راه تحقق حقوق کارگران و زحمتکشان برنداشته است، بلکه وضعیت زحمتکشان میهن ما را، در عرصه‌های متفاوت، با دشواری‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است. آغاز "فاز دوم هدفمند کردن یارانه‌ها" از سوی دولت روحانی، بی‌توجهی به خواست زحمتکشان در تعیین حداقل دستمزدها و افزایش آن بر اساس نرخ تورم، سرکوب اعتراض‌های کارگری که در ماه‌های اخیر اوج تازه‌ای یافته است، تشدید فشار بر فعالان کارگری، ادامه سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی که در تضاد آشکار با منافع زحمتکشان قرار دارد، و جلوگیری از برپایی تشکل‌های صنفی کارگران، بخشی از کارنامه دولت "تدبیر و امید" ولایت‌فقیه است که با مهندسی انتخابات سال ۱۳۹۲ بر سر کار آمد.

یکی از وظیفه‌های اساسی‌ای که به عهده دولت حسن روحانی گذاشته شده است، رسیدن به تفاهم با آمریکا و کشورهای اروپایی و تلاش در راه لغو تحریم‌ها و کاستن از فشارهای بین‌المللی بر رژیم بوده است. "تفاهم لوزان"، برخلاف همه دروغ‌پردازی‌های روحانی و سخنگویان دولت او و تبریک گفتن‌های سران رژیم به یکدیگر، نه تنها به برداشتن تحریم‌ها و تأمین منافع ملی ایران منجر نگردید، بلکه نشان داد که سران رژیم حاضرند برای حفظ رژیم پوسیده و ضد‌مردمی حاکم، به هر دروغ و فریبکاری و توافق ذلت‌باری تن در دهند. حزب ما، در دو سال گذشته، ضمن بررسی و توجه ویژه به وضعیت بحرانی کشور و پیامدهای زیان‌بار آن برای کارگران و زحمتکشان، از جمله یادآور شد که آنچه این اوضاع را نگران‌کننده‌تر و تحمل‌ناپذیرتر می‌کند، تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیستی‌ای است که بر دامنه فقر و تیره‌روزی مردم به‌ویژه زحمتکشان بسی افزوده است. زندگی شما کارگران، نمونه‌گویا و مشخص فقر بر اثر سیاست‌های رژیم و تحریم‌های امپریالیستی است.

در طول ماه‌های اخیر، سقوط چشمگیر قیمت نفت در بازارهای جهانی، بیش از ۲۳ هزار میلیارد تومان از درآمد پیش‌بینی‌شده دولت در بودجه سال آینده را از بین برد و نشان داد که چگونه اقتصاد بیمار و تک‌محصولی کشور این چنین می‌تواند با نوسان‌های جهانی با دشواری‌هایی جدی روبه‌رو شود و زندگی را برای اکثر شهروندان دشوارتر سازد. امروز بیش از ۸۰ درصد کارگران کشور با قراردادهای موقت و سپیدامضا مشغول به‌کارند، و هرگاه کلان‌سرمایه‌داری اراده کند، اخراج و بیکار می‌شوند. در این زمینه آمارها نشان می‌دهند که، رشد شاخص مزد و حقوق کارگران واحدهای صنعتی بزرگ و کلیدی کشور در ۵ سال اخیر، ۳۳ درصد کمتر از رشد شاخص هزینه‌های زندگی بوده است. علاوه بر این، برآوردهای رسمی منتشرشده حاکی از آنند که قدرت خرید کارگران و زحمتکشان بیش از ۷۵ درصد کاهش داشته است. به این موردها اصلاح قوانین کار و تأمین اجتماعی - باهدف حذف اصل‌ها و ماده‌هایی که مدافع حقوق کارگران‌اند - را باید افزود تا ژرفای یورش رژیم به حقوق و دستاوردهای طبقه کارگر ایران و نیز زندگی و معیشت ناگوار آنان به‌روشنی در معرض داوری قرار گیرد. در چنین وضعیتی، مبارزه دلیرانه شما کارگران و فعالان سندیکایی - حتی در چارچوب قوانین موجود - سرکوب می‌شود. فشارهای هدفمند بر سندیکالیست‌ها، تهدید، اخراج، و بازداشت کارگران فعال در سندیکاها و تشکل‌های مستقل، سیاست دائمی و شناخته‌شده ارتجاع حاکم در رویارویی با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما بوده و هست. به‌علاوه، تهدید، تطمیع، و فریب، از دیگر اجزای سیاست ارتجاع در برابر

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

"از نفس آبی صبح"



باد، سرمست و گریزنده،
 به رقص آمده در سینه ی دشت،
 ابر، با مخمل آب،
 سرفرو هشته زخواب،
 می دود تا سر کوه،
 ماه، پیدا گاهی، گه پنهان،
 می خرامد در دشت،
 ابر می ریزدش از دست گلاب،

ریشه ها در تک وتاب،
 سبزه ها روی در آینه ی آب،
 سر به سرچشم گل از شاخه سرآورده برون،
 رنگ بر رنگ فزون،
 می چکد از نفس آبی صبح،
 نرم نرمک گل نور،
 می نشیند سحر از رامگه خواب،
 به ایوان بلور،
 هیچش انگار نمانده ست سیاهی رمقی!
 نیم باز است نگاهش شب سرد،
 می زند زین به کمرگاه سوار خورشید،
 می دود تا سر کوه،
 سقف فیروزه برون آمده از پرده ی تار،
 نور می بارد از آینه ی خورشید به دشت،
 کام می گیرد از آب،

ریشه در حجله ی تاریک زمین،
 ساقه می لرزد از این نشئه ی ناب!
 غنچه می روید از این چرخه ی زاینده ی خاک،
 روی می شوید گل،
 در نسیم سحری،
 و به آوازی خوش، عابری می خواند:
 خنده باشیم به سرسبزی داد،
 ریشه باشیم به گاه بیداد...

م - نوید

جنبش کارگری اند. درحال حاضر، دهها فعال سندیکایی و ازجمله فعالان انجمن صنفی معلمان ایران، در زندانهای رژیم بازداشت و زیر فشارهای جسمی و روحی قرار دارند.

کارگران و زحمتکشان شریف!

سال ۱۳۹۳ و ماههای آغازین سال ۱۳۹۴ با موج فزایندهای از اعتراضهای کارگران و زحمتکشان میهن ما همراه بوده است. اعتراض گسترده و سراسری پرستاران کشور، در بهمن ماه ۹۳، و نامه اعتراضی بیش از ۳ هزار پرستار در روزهای اخیر در اعتراض به دستمزدهای ناعادلانه، و همچنین مبارزه اعتراضی گسترده و تحسین برانگیز معلمان در هفتههای اخیر - که به دستگیری دیرکل سازمان معلمان ایران و انتقال او به زندان اوین منجر گردید - در کنار دهها حرکت اعتراضی کارگران، ازجمله تظاهرات گسترده کارگران مخابراتی روستاهای سراسر کشور، اعتصاب کارگران کارخانه سیمان مسجدسلیمان، کارخانه پارس قو در جنوب تهران، کارکنان پتروشیمی اصفهان، کارگران نیروگاه تبریز، کارگران منطقه گاز پارس جنوبی (عسلویه)، کارگران صنایع لوله سازی خوزستان، کارگران قطار شهری اهواز، و کارگران معدن طیس، تنها گوشههایی از مبارزات رو به رشد طبقه کارگر و زحمتکشان میهن مان با سیاستهای ضدملی و کارگرسنیزانه حاکمیت کنونی است.

طبقه کارگر ایران و زحمتکشان میهن مان می توانند و باید نقش منحصر به فرد خود را در تحولات مهم آتی کشور ایفا کنند. آینده ایران، و همچنین سرنوشت مبارزه جنبش مردمی میهن ما در راه دستیابی به عدالت اجتماعی، آزادی، و حاکم شدن مردم بر سرنوشتشان، در گرو مبارزه مشترک وسیعترین قشرهای اجتماعی بر گرد محورهایی مشترک است. از این روست که رژیم ولایت فقیه به شدت از سازمان یافتگی گردانهای اجتماع - به خصوص طبقه کارگر و زحمتکشان - به شدت در هراس است، و تمام توان خود را در سالهای اخیر به کار گرفته است تا از تحقق چنین امری جلوگیری کند. رژیم به تجربه می داند که حرکتهای پراکنده اعتراضی کارگران و زحمتکشان و همچنین قشرهای دیگر اجتماعی از جمله زنان، جوانان، و دانشجویان، اثربخشی لازم را ندارند و می توانند با محدود کردن حیطه عمل این اعتراضها، آنها را به سرعت کنترل و سرکوب کند. تلاش در راه به وجود آوردن امکان برای هماهنگی هرچه بیشتر مبارزات کارگری در سراسر کشور، افشای سیاستهای مخرب و ضد مردمی رژیم ولایت فقیه و به چالش طلبیدن سیاستهای دولت در عرصه اقتصادی - اجتماعی، به ویژه ادامه خصوصی سازی، اجرای فاز دوم "هدفمند کردن یارانهها"، ممانعت از احیا و تأسیس ساختارهای سندیکایی مستقل کارگری، اصلاح قانون کار برای تأمین بیش از پیش منافع کارفرمایان، وظیفه امروز نیروهای مترقی، فعالان و کادرهای جنبش کارگری و سندیکایی کشور است. نکته تأمل برانگیز اینک، بنا بر آخرین گزارشهای رسیده، دولت روحانی و وزارت کشور آن، مانند همه قولهای داده شده و عمل نشده در دوره مبارزات انتخاباتی مبنی بر رسیدگی به حقوق زحمتکشان، امسال نیز همچون سال گذشته، اجازه برگزاری مراسم اول ماه مه را به سندیکاهای مستقل کارگری نداده است، و این یعنی حقی که کارگران میهن ما با مبارزه و ایفای نقشی قاطع و انکارناپذیر در پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ کسب کردند، امروز به دست حاکمیت تاریک اندیش و ضد مردمی کنونی مجدداً سلب می شود.

کارگران و زحمتکشان میهن ما، آزادی فوری و بدون قید و شرط همه فعالان کارگری گرفتار در بند رژیم و دیگر زندانیان سیاسی - عقیدتی، احیای حقوق سندیکایی و حق برپایی سندیکاهای مستقل، افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم، به رسمیت شناختن حق اعتصاب، و لغو قراردادهای سفیدامضا و موقت را خواهند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر، ضمن تبریک فرا رسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر، و نیز تجدید عهد با آرمانهای والای طبقه کارگر و زحمتکشان، همه کارگران و زحمتکشان میهن را به انسجام در مبارزه مشترک، و متحد با دیگر گردانهای اجتماعی، بر ضد رژیم ولایت فقیه فرامی خواند. تحقق حقوق صنفی، دستیابی به عدالت اجتماعی، و رهایی از وضعیت دهشتناک فقر و محرومیت کنونی، با مبارزه عمومی خلق برای طرد رژیم ولایت فقیه ارتباطی گسستناپذیر دارد.

**فرخنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر!
 درود به خاطر تانناک جان باختگان جنبش کارگری میهن!
 آزادی برای همه زندانیان سیاسی و عقیدتی!**

کمیته مرکزی حزب توده ایران
 اردیبهشت ماه ۱۳۹۴



پایتخت ها و شهرهای بزرگ جهان صدای این جنبش را به گوش جهانیان برسانند و به طور جمعی از خواسته‌های برحق این جنبش دفاع کنند. آنها از مقام‌های رسمی ایران خواستند که به حقوق بنیادی کارگران و زحمتکشان ایران مطابق با معیارهای پذیرفته جهانی احترام بگذارند و موانع موجود در راه تحقق این حقوق را از میان بردارند. کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر) یکی از سازمان‌های همبستگی بین‌المللی است که از زمان پایه‌گذاری‌اش در بیشتر از ۳۰ سال پیش، تا کنون پیگیرانه در این مسیر حرکت کرده است.

کودیر در بیانیه مطبوعاتی خود به مناسبت روز جهانی کارگر خبر از یک کارزار همبستگی وسیع بین‌المللی در حمایت از حقوق بنیادی کارگران داد که به ابتکار این سازمان به راه انداخته شد. کودیر که از قدیمی‌ترین نهادهای همبستگی بین‌المللی و دفاع از حقوق مردم ایران است، متن بیانیه این کارزار بسیار با اهمیت را منتشر کرده است که بیشتر از ۲۰ سازمان سندیکایی ملی و بین‌المللی از کشورهای گوناگون جهان به طور رسمی و در سطح رهبری آن را امضا کرده‌اند. در این بیانیه از حسن روحانی، رئیس‌جمهور، خواسته شده است که برای آزاد کردن فعالان زندانی اقدام کند و به وعده‌های انتخاباتی‌اش در دو سال قبل در مورد "اعتدال" و "شفافیت" عمل کند.

بیانیه مشترک همبستگی سندیکاهای جهان که در مجموع ده‌ها میلیون کارگر و زحمتکش را نمایندگی می‌کند به وخیم‌تر شدن وضعیت معیشت زحمتکشان در دو سال گذشته، به گسترش فاجعه‌بار فقر در ایران، بالا بودن نرخ تورم و میزان بیکاری، تأخیرهای طولانی مدت در پرداخت حقوق و دستمزدهای زحمتکشان، و عدم رعایت جدی اصول ایمنی و بهداشت و بالا بودن میزان حوادث منجر به مرگ در محیط‌های کار اشاره شده است. این بیانیه ضمن اشاره به انتشار گزارش‌های مستند مکرر در مورد اخراج از کار و زندانی شدن فعالان صنفی، به حسن روحانی یادآوری می‌کند که حقوق سندیکایی و صنفی زحمتکشان در ایران برخلاف مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار (که ایران همچنان از پذیرفتن و امضای آنها سر باز می‌زند) دائما لگدمال می‌شود. بیانیه مشترک همبستگی سندیکاهای جهان خطاب به حسن روحانی، با ارائه فهرستی از نام برخی از فعالان سندیکایی که سال‌های متمادی به ناروا متحمل زندان و محرومیت شده‌اند، و با اشاره به تازه‌ترین موارد دستگیری و زندانی کردن فعالان سندیکایی، آقایان محمود صالحی و ابراهیم مددی و داوود رضوی، در روزهای قبل از ۱۱ اردیبهشت، خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط این زندانیان شده است.

معاون دبیرکل کودیر، چنین ابتکارهای همبستگی وسیع بین‌المللی را اقدام‌هایی بسیار مؤثر برای رساندن صدای کارگران ایران و نیرو گرفتن و پشت‌گرمی جنبش کارگری و سندیکایی ایران دانست. متن کامل این بیانیه در ادامه همین مطلب آمده است. در مراسم روز جهانی کارگر در شهر تورنتو کانادا نیز نماینده کودیر به دعوت کمیته برگزارکننده مراسم اول ماه مه شرکت کرد و در مورد تاریخچه جنبش سندیکایی و کارگری ایران و فراز و فرودها و کامیابی‌ها و دشواری‌های آن در چند دهه گذشته، وضعیت کنونی تولید و طبقه کارگر ایران و دشواری‌هایی که زحمتکشان در محیط کار و برای تأمین معاش مناسب دارند، به رسمیت نشناختن سندیکاهای مستقل کارگری از سوی جمهوری اسلامی ایران، اذیت و آزار فعالان سندیکایی، و بالاخره ضرورت همبستگی بین‌المللی با این جنبش صحبت کرد. نماینده کودیر انتشار بیانیه مشترک همبستگی به امضای ۲۱ سازمان بین‌المللی را به اطلاع حاضران رساند.

موریندگ استار، روزنامه جنبش کارگری انگلستان نیز بیانیه مشترک همبستگی ۲۱ سازمان سندیکایی جهان با مبارزه

همبستگی پر شور جهانی با جنبش کارگری و سندیکایی ایران

یک مشخصه ویژه روز جهانی کارگر امسال را باید موفقیت فعالان کارگری و سندیکایی میهن‌مان و یاران آنها در جلب توجه و حمایت و همبستگی جنبش سندیکایی جهان با مبارزه دشواری دانست که جنبش کارگری و سندیکایی ایران برای احقاق بنیادی‌ترین حقوق کارگران کشورمان در آن درگیر است. در این تلاش، از یک سو مبارزه متنوع و گسترده کارگران نفت و گاز و معادن، صنایع خودروسازی و پتروشیمی، پرستاران، آموزگاران، روزنامه‌نگاران، کشاورزان و دیگر زحمتکشان کشور، از جمله اعتصاب‌ها و اعتراض‌های آنها مکرر آنها در برابر استانداری‌ها و مجلس و دیگر نهادهای حکومتی، و از سوی دیگر، سرکوب خشن و سیستماتیک مبارزه کارگران توسط نیروهای ارتجاعی حاکمیت اسلامی، به اطلاع اتحادیه‌های کارگری و فدراسیون‌ها و کنفدراسیون‌های کارگری و سندیکایی رسانده شد تا توجه آنها به ضرورت همبستگی با جنبش کارگری و سندیکایی ایران جلب شود. یکی از نکته‌های مهم و مؤثر در این کارزار بین‌المللی، افشا کردن ماهیت و کارکرد عقیم و بی‌رسمی و بی‌خاصیت تشکل‌های کارگری رسمی-دولتی در ایران بوده است. این تشکل‌های رسمی-دولتی، مثل شوراهای اسلامی کار یا خانه کارگر، به دلیل اینکه در چارچوب تنگ تعیین شده از سوی دولت و حاکمیت و تا حد زیادی در هماهنگی با منافع کارفرمایان عمل می‌کنند، به هیچ‌روی نتوانسته‌اند و نخواهند توانست به طور جدی به خواسته‌های کارگران رسیدگی کنند. عدم توانایی این تشکل‌ها در دفاع از اساسی‌ترین خواسته‌های کارگران کشور، در سال‌های اخیر بارها ثابت شده است. دولت و کارفرمایان خصوصی و دولتی و سپاهی نیز به دلیل ماهیت سازشگر و گوش‌به‌فرمان این تشکل‌های به‌ظاهر کارگری فرمایشی حکومت‌ساخته، ضرورتی در توجه جدی به فعالیت‌های بی‌رسمی این تشکل‌ها نمی‌بینند. در حالی که مقام‌های حکومتی با بازداشت و زندانی کردن فعالان کارگری در آستانه روز جهانی کارگر، و فرستادن پیام‌های مستقیم و غیرمستقیم به تشکل‌های مستقل سندیکایی کشور در ارتباط با عدم تحمل هرگونه تلاش برای سازمان‌دهی جشن‌ها و برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در روز ۱۱ اردیبهشت، سعی در کنترل شرایط داشتند؛ در حالی که فعالان کارگری تهران برای دست نزدن به هرگونه فعالیتی در این زمینه زیر فشار بودند، و نمایندگان سندیکایی کارگران شرکت واحد تهران به "جرم" پخش شیرینی به مناسبت روز جهانی کارگر در پایانه‌های شرکت واحد و میدان آزادی تهران مورد اذیت و آزار قرار داشتند، نهادهای وابسته به حکومت در هماهنگی با خانه کارگر و زیر کنترل شدید امنیتی، و مثل همیشه با تدارک و گسیل ۷۲۰ اتوبوس، هزاران نفر را از شهرهای اطراف تهران به میدان فلسطین و محل برگزاری تجمع در اساس حکومتی آوردند. شعارهای روی برخی از پوسترها و پارچه‌نوشته‌ها قصد و نیت سازمان‌دهندگان اصلی این نمایش رسوا را نشان می‌داد: "ربیعی دوستت داریم"، "کارفرما حیا کن، افغانی را رها کن"، نمونه‌هایی از شعارهای انحرافی تحریک‌کننده علیه کارگران خارجی یا در تبلیغ حمایت از دولت "اعتدال" و تدبیر" بود. این نمایش، تلاش مذبحانه‌ای بود برای اینکه به جهانیان و به منتقدان عملکرد رژیم در سرکوب حقوق بنیادی کارگران، و به ویژه سازمان بین‌المللی کار که عملکرد رژیم را زیر نظر دارد، تصویر واهی و وارونه‌ای را از وضعیت کارگران ایران و رویگرد آن نسبت به رژیم نشان دهند. در آستانه روز جهانی کارگر امسال، تشکل‌یابی و ضرورت سازمان‌دهی کارگران و زحمتکشان بیدی و فکری یکی از موضوع‌های عمده مورد توجه جنبش کارگری بود و بنابراین طبیعی بود که خواست تشکیل سندیکاهای مستقل به صورت پرنرنگی در بیانیه‌ها و نمادها و تحول‌های مربوط انعکاس داشته باشد.

در بیرون از ایران نیز دوستان و حامیان جنبش سندیکایی و کارگری ایران مثل همیشه تلاش کردند تا در مراسم باشکوه اول ماه مه در

ادامه همبستگی پر شور ...



کارگران ایران را در شماره ویژه اول ماه مه خود منتشر کرد. در روزهای منتهی به اول ماه مه، همچنین شاهد انتشار نامه اتحادیه جهانی اینداستری آل (IndustriALL) به رئیس جمهور روحانی و درخواست از دولت او برای احترام گذاشتن و به رسمیت شناختن و اجرای مقاله نامه های سازمان جهانی کار و به ویژه مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ در ارتباط با حقوق سندیکایی و قراردادهای جمعی بودیم. این نامه ضمن اشاره به اینکه "دولت [ایران] با همه اعتراض ها و مناقشه های کارگری به مثابه مسئله امنیتی برخورد می کند، نه مسئله کارگری" تأکید می کند که "اینداستری آل از خواست هایی که سندیکاهای ایران از دولت شما [روحانی] دارند حمایت می کند". اتحادیه جهانی اینداستری آل ۳ سال پیش از اتحادیه فدراسیون جهانی بزرگ، یعنی فدراسیون بین المللی کارگران فلزکار، فدراسیون بین المللی سندیکاهای کارگران شیمیایی، انرژی، معدن و تولید، و فدراسیون بین المللی کارگران نساجی، پوشاک و چرم، در کپنهاگ، دانمارک، پایه گذاری شد. این سازمان سندیکایی جهانی بیشتر از ۵۰ میلیون کارگر از ۱۴۰ کشور جهان را نمایندگی می کند و یکی از تازه نفس ترین نیروهای همبستگی جهانی است که برای شرایط کار بهتر و حقوق سندیکایی در سراسر جهان پیکار می کند. دفتر مرکزی این سازمان سندیکایی در شهر ژنو، در سوئیس است. متن کامل نامه این اتحادیه جهانی به حسن روحانی در ادامه مطلب آمده است.

مدنکاران، کارگران خودروسازی، آموزگاران، پرستاران و دیگر بخش های زحمتکشان در تمام استان های ایران برای احقاق حقوق قانونی و برحق خود به خیابان ها آمده اند و در برابر پارلمان ایران دست به تظاهرات زده اند. این حقوق قانونی زحمتکشان در مقاله نامه های جهانی، مانند مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار، تثبیت شده است. زحمتکشان ایران و خواهران و برادران سندیکایی آنها در سراسر جهان فقط وقتی می توانند به حرف های ریاست جمهوری ایران اعتماد و اتکا کنند که رئیس جمهور و دولت او به خواست های برحق زحمتکشان توجه و رسیدگی کند.

بر اساس گزارش های دیگر پنج سندیکای فرانسوی در بیانیه مشترکی به بازداشت فعالان کارگری و سندیکایی توسط حکومت ایران در آستانه روز جهانی کارگر اعتراض و آن را محکوم کردند. در این بیانیه آمده است که در روزهای پیش از ۱۱ اردیبهشت: "...سندیکالیست ها و فعالان جنبش کارگری به طور همزمان در چندین شهر ایران دستگیر شدند" که هدف از این اقدام جلوگیری از برگزاری مراسم اول ماه مه و بزرگداشت روز "دفاع از حقوق و همبستگی بین المللی کارگران" است. در ادامه این بیانیه آمده است: "باید خاطر نشان شود که از زمان انتخاب آقای روحانی، و برخلاف قول های او دایر بر "اعتدال"، سرکوب فعالان جنبش های اجتماعی و به خصوص سندیکالیست ها از پیش هم شدیدتر شده است... ما، اعضای سندیکاهای فرانسوی، این دستگیری را به شدت محکوم کرده و خواهان آزادی بی درنگ آنها هستیم."

سال هاست که به طور مداوم گزارش های موقتی به دست ما می رسد که کارگران و سندیکالیست های ایران دستگیر و بازداشت و از کار اخراج و از تأمین معاش زندگی محروم می شوند. در حال حاضر شماری از فعالان سندیکایی صرفاً به "جرم" اینکه فعالیت سندیکایی داشته اند و برای احقاق حقوق کارگران و تأمین دستمزدهای مناسب و شرایط کاری بهتر تلاش کرده اند، در زندان به سر می برند. ما قاطعانه می گوئیم که هیچ کارگری نباید به خاطر اینکه خواستار احقاق حقوق به رسمیت شناخته شده بین المللی اش است، به زندان برود.

فراخوان به مناسبت اول ماه مه ۲۰۱۵ در همبستگی با کارگران ایران

اتحادیه های کارگری و سندیکاهای زیر که از این فراخوان اول ماه مه حمایت می کنند، متحدانه از دولت جمهوری اسلامی ایران می خواهند که:

♦ همه فعالان سندیکایی را که به علت فعالیت های سندیکایی زندانی شده اند آزاد کند، از جمله این افراد را:

در آستانه روز جهانی کارگر امسال، اول ماه مه ۲۰۱۵، ما نمایندگان اتحادیه های کارگری و سندیکاهای در سراسر جهان بار دیگر همبستگی خود را با مبارزه کارگران و فعالان سندیکایی ایران در راه احقاق حقوق بنیادی و تأمین دستمزد و شرایط کاری بهتر اعلام می کنیم. ما در ادامه فراخوانی که در اول اوت ۲۰۱۳ (۱۰ مرداد ۱۳۹۲) در آستانه تحلیف حسن روحانی به عنوان ریاست جمهوری ایران منتشر کردیم، بار دیگر بدین وسیله از او می خواهیم که به وعده هایی که آن سال در کارزار انتخاباتی اش به مردم داد عمل کند و به خواست های برحق کارگران ایران در زمینه دستمزد مناسب برای یک زندگی شایسته و حق تشکیل و عضو شدن و پیوستن به سندیکاهای مورد نظرشان رسیدگی کند.

- * علی رضا هاشمی، دبیرکل کانون صنفی معلمان
- * رسول بدایقی، از کانون صنفی معلمان
- * محمود باقری، از کانون صنفی معلمان
- * محمد داوری، از کانون صنفی معلمان
- * عبدالرضا قنبری، از کانون صنفی معلمان
- * شاهرخ زمانی، از سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمانی
- * بهنام ابراهیم زاده، از سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمانی
- * محمد جراحی، از سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمانی
- * محمود صالحی، فعال سندیکایی گرد
- * ابراهیم مددی، از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه "واحد"
- * داود رضوی، از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه "واحد"

ما به ریاست جمهوری ایران یادآوری می کنیم که دو سال پس از انتخابش بر پایه قول رسیدگی به خواست های مردم ایران، بیکاری همچنان گسترده و رو به افزایش است، نرخ تورم سرسام آور است، اجناس اساسی و ضروری بسیار گران و دور از دسترس کارگران است، دستمزدها به موقع پرداخت نمی شود و فقر و محرومیت به مرز فاجعه باری رسیده است. قواعد ایمنی و بهداشت نیز رعایت نمی شود. از تابستان گذشته تا کنون شمار زیادی از کارگران، از جمله

♦ به اخراج فعالان کارگری و سندیکایی از کار به خاطر فعالیت های سندیکایی پایان دهد، و کارگرانی را که به خاطر مبارزه در راه احقاق حقوق شان کارشان را از دست داده اند، به کار بازگرداند؛

ادامه همبستگی پرشور ...

برای تشکیل سندیکاهای مستقل و پیوستن به سندیکا بر اساس مقاله‌نامه‌های ۸۷ (حق آزادی تشکل) و ۹۸ (حق مذاکره دسته‌جمعی) سازمان جهانی کار را از میان بردارد؛ ممنوعیت سازمان‌دهی و برگزاری مراسم اول ماه مه و بزرگداشت روز جهانی کار را لغو کند و روز اول ماه مه [یازده اردیبهشت] را روز تعطیل عمومی اعلام کند.

امضاکنندگان:

اتحادیه جهانی اینداستری آل (IndustriALL)
مرکز جهانی حقوق سندیکایی (ICTUR)
کنگره سندیکایی بریتانیا (TUC)
عفو بین‌المللی - شبکه سندیکایی بریتانیا
UNITE، بریتانیا
اتحادیه سراسر معلمان بریتانیا (NUT)
اتحادیه کارکنان دولت بریتانیا (UNISON)
اتحادیه سراسری کارگران راه‌آهن، کشتی‌رانی و حمل‌ونقل بریتانیا (RMT)
اتحادیه آتش‌نشانان بریتانیا (FBU)
اتحادیه سراسری روزنامه‌نگاران بریتانیا (NUJ)
فدراسیون کار قیرس (PEO)
سندیکای کارگران نفت، شیمیایی و لاستیک ترکیه (Petrol-Is)
سندیکای کارگران حمل‌ونقل ترکیه (TUMTIS)
سندیکای کارگران صنایع دخانیات، نوشابه‌سازی و غذایی ترکیه (Tekgida-Is)
سندیکای کارگران چرم‌سازی، بافندگی و نساجی ترکیه (Deriteks)
سندیکای کارگران اداره آموزش بازرگانی و هنرهای زیبای ترکیه (Tezkoop-Is)
سندیکای کارگران شهرداری ترکیه (Belediye-Is)
سندیکای کارگران صنایع سیمان‌سازی و شیشه‌سازی ترکیه (Kristal-Is)
سندیکای کارگران چاپ و طراحی ترکیه (Basin-Is)
سندیکای روزنامه‌نگاران ترکیه (TGS)
کمیته دفاع از حقوق مردم ایران "کودیر" (CODIR)

نامه اتحادیه جهانی "اینداستری آل" به حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران

۲۷ آوریل ۲۰۱۵ [۷ اردیبهشت ۹۴]

ژنو، سوئیس

به: آقای حسن روحانی، ریاست جمهوری اسلامی ایران
ارسال از طریق: آقای محسن نظیری اصل، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در مقر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو

ایمیل: mission.iran@ties.itu.int

رئیس‌جمهور گرامی، آقای حسن روحانی،

من این نامه را از جانب اتحادیه جهانی اینداستری آل (IndustriALL) به شما می‌نویسم که بیشتر از ۵۰ میلیون کارگر در صنایع معدن، انرژی و تولید در ۱۴۳ کشور جهان را نمایندگی می‌کند، تا جدا از دولت ایران بخواهم که جلوی اعمال غیرقانونی مسئولانی را که قصد دارند در راه کارگران ایران برای برگزاری و بزرگداشت اول ماه مه ممانعت ایجاد کنند، بگیرد.

... دولت شما کارگرانی را که در صدد تدارک و سازمان‌دهی مراسم اول ماه مه هستند، تحت فشار قرار می‌دهد. دولت [ایران] با همه اعتراض‌ها و مناقشه‌های کارگری به مثابه مسئله امنیتی برخورد می‌کند، نه مسئله کارگری. به همین دلیل است که وقتی که کارگران خواستار حقوق عقب‌افتاده، بهبود شرایط کار یا به رسمیت شناختن حق‌شان برای تشکل در سندیکاها می‌شوند، جو ترس برای آنها ایجاد می‌شود.

این سرکوب شدید دولتی که موجب ضعف و کوچک ماندن سندیکاها شده است، محیط کاری به وجود می‌آورد که بسیار خطرناک و فاجعه‌بار است. از آنجا که هیچ سازوکاری وجود ندارد که کارگران از آن طریق بتوانند از انجام کارهای خطرناک و زیان‌آور سر باز زنند، یا خواستار وسایل ایمنی و شرایط کاری ایمن شوند، در نتیجه،

حوادث کاری و مرگ‌ومیر به میزان زیادی در محیط‌های کاری رخ می‌دهد.

اینداستری آل از خواست‌هایی که سندیکاهای ایران از دولت شما دارند حمایت می‌کند:

• تصویب و اجرای مقاله‌نامه‌های ۹۸ و ۸۷ سازمان بین‌المللی کار در مورد آزادی تشکل سندیکا، و رفع ممنوعیت فعالیت‌های سندیکایی مطابق با ماده ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛

• به رسمیت شناختن و اجرای بی‌درنگ حق سندیکاها و کارگران ایران برای سازمان‌دهی و برگزاری روز جهانی کارگر "اول ماه مه" مطابق با ماده ۲۷ قانون اساسی ایران؛

• پایان دادن به اذیت و آزار، تهدید و پیگرد فعالان سندیکایی، به‌ویژه در آستانه اول ماه مه؛

آزادی همه زندانیانی که در ارتباط با فعالیت‌های قانونی و سندیکایی دستگیر شده‌اند.

با احترام

جیرکی رابنا (Jyrki Raina)

دیرکل

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و فدراسیون بین‌المللی کارگران حمل‌ونقل به کارزار جهانی پیوستند



ITUC CSI IGB



خانم شارون بارو، دیرکل کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری (ITUC)، و آقای استفان کاتن، دیرکل فدراسیون بین‌المللی کارکنان حمل‌ونقل (ITF)، در اقدام با اهمیتی در دفاع از حقوق کارگران و فعالان سندیکایی ایران و اعتراض به رفتاری که در ایران با آنها می‌شود، در روز ۱۰ اردیبهشت ماه طی نامه‌ای به علی خامنه‌ای، رهبر رژیم اسلامی ایران، که نسخه‌ای از آن نیز به حسن روحانی، رئیس‌جمهور، ارسال شده است، به دستگیری ابراهیم مددی و داوود رضوی، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و همچنین محمود صالحی و عثمان اسماعیلی، فعالان کارگری کردستان، در آستانه

۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر، اعتراض کردند. شارون بارو که دیرکل بزرگ‌ترین نهاد سندیکایی جهان است، در نامه به سران رژیم در آستانه روز جهانی کارگر تذکر داده است که: "هدف ما از نوشتن این نامه فوری، سؤال در مورد دستگیری و حبس داوود رضوی و ابراهیم مددی، و نیز محمود صالحی و عثمان اسماعیلی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، در روز گذشته [۹ اردیبهشت] است. برای ما باورکردنی نیست که این افراد یک بار دیگر به خاطر انجام فعالیت‌های قانونی و حقوقی اتحادیه‌ای‌شان مورد اذیت و آزار قرار گرفته‌اند."

در این نامه، در اعتراض مشخص به بازداشت ابراهیم مددی آمده است: "در مورد پرونده ابراهیم مددی، این تازه‌ترین مورد بازداشت او، حرکت دیگری است در ادامه رشته بلند و شرم‌آور آزار و اذیت برای آسیب رساندن به او."

رهبران این دو نهاد سندیکایی جهان، به نمایندگی از میلیون‌ها عضو خود در سراسر جهان، از علی خامنه‌ای خواسته‌اند که این چند مورد بازداشت‌های اخیر را بررسی، و برای آزادی فعالان سندیکایی دستگیر شده در ایران مداخله و اقدام کند.



اعلام نرخ سودهای بانکی، بر اساس سناریوهای تکراری

پس از مدت‌ها بحث‌وجدل، هفته گذشته، نرخ سود سپرده‌های بانکی و تسهیلات اعطایی اعلام گردید. اعلام نرخ‌های جدید، به‌خودی‌خود موضوع مهمی نباید تلقی می‌گردید. در بیشتر کشورهای جهان این امر همزمان با افت‌وخیزهای اقتصادی اتفاق می‌افتد. این مهم در مورد نرخ سودهای بانکی در ایران هم صدق می‌کند و اولین بار هم نیست که تغییر در نرخ سودهای بانکی را شاهدیم. اما آن چیزی که بحث و بررسی نرخ سودهای بانکی را از چندین ماه قبل تاکنون برجسته کرده بود ارتباط مستقیم آن با بحران بانکی میهن و همچنین آچمز شدن دولت در زمینه مشکلات اقتصادی است.

میانگین نرخ سود سپرده‌ها در سیستم بانکی ایران از سال ۱۳۵۷ تا کنون از ۶ درصد برای سپرده‌های کوتاه‌مدت تا ۱۷ درصد برای سپرده‌های بلندمدت بوده است. این وضعیت به دلیل بحران بانکی در سال‌های اخیر، نرخ‌های بالاتر از ۲۰ درصد را شاهد بوده است. همین موضوع نشانگر آن است که تعیین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات، بر مطلق اقتصادی استوار نبوده است. "نامه مردم"، در شماره ۳۰، ۸۳۲، ۳۰، آذرماه ۱۳۸۸، در مقاله‌ای به تفصیل به موضوع بحران مالی بانک‌ها پرداخت. نگاهی دوباره به آن مقاله و وضعیت سیستم بانکی ایران پس از ۶ سال بر این نکته صحه می‌گذارد که، تعیین نرخ جدید برای سود بانکی در راستای منافع سپرده‌گذاران نیست. باید یادآور شد که ما در آن مقاله موضوع مطالبات معوق بانک‌ها را نیز بررسی کرده بودیم. روزنامه شرق، ۲ اردیبهشت‌ماه، به نقل از علی اصغر میرمحمدصادقی، مدیرکل اعتبارات بانک مرکزی، مطالبات معوق را ۹۲ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان اعلام کرد. یعنی طی این مدت طولانی [۶ سال] نه تنها مطالبات معوق وصول نشده، بلکه افزایش هم پیدا کرده است، و این در صورتی است که بپذیریم آمارهای اعلام‌شده واقعی‌اند، و گر نه رقم مطالبات معوق را بسیار بیش از این باید ارزیابی کرد.

روزنامه دنیای اقتصاد، ۶ اردیبهشت‌ماه، در میزگردی، به نقل از عقیلی، می‌نویسد: "... به‌همین دلیل ناچارم اعتراف کنم که وضعیت بانک‌های ما از آنچه فکر می‌کنیم نامساعدتر است. یعنی برخی بانک‌ها دارند ضرر می‌دهند و سیاست‌گذار، این بانک‌های زیان‌ده را نگهداشته است. نگاه داشتن بانک‌های زیان‌ده، به‌همین ایجاد می‌کند که مدام دارد بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود و این به‌همین ممکن است به اقتصاد کشور آسیب جدی وارد کند. در اینکه وضعیت بانک‌های ما نگران‌کننده است شکی نیست. اما آنچه می‌خواهم بگویم این است که ما چگونه می‌خواهیم از این دوره عبور کنیم."

زمزمه کاهش نرخ سود بانکی، نارضایتی‌هایی را به‌همراه داشته است. روزنامه ابتکار، ۱ اردیبهشت‌ماه، به نارضایتی بانک‌های خصوصی اشاره کرد، و نوشت: "در حالی هفته آینده شورای پول و اعتبار نسبت به تعیین نرخ سود بانکی تصمیم‌گیری می‌کند که به‌نظر می‌رسد بانکداران به‌ویژه بانک‌های خصوصی از این اقدام زیاد راضی نباشند."

اما روزنامه اعتماد، ۳۱ فروردین‌ماه، در گزارشی دیگر، دیدگاهی متفاوت با دیدگاه دولت را انتشار داد، و نوشت: "هرچند مدیران بانک‌ها موافقت خود را با کاهش دو درصدی و بعضاً سه درصدی نرخ سود سپرده‌های بانکی اعلام کرده‌اند، اما خبرهای رسیده حکایت از آن دارد که اعضای شورای پول و اعتبار و مقامات بانک

مرکزی با کاهش ۴ درصدی نرخ سود سپرده‌ها و رسیدن این نرخ به ۱۸ درصد توافق دارند." با اعلام نرخ سودهای بانکی، به‌نظر می‌رسد که دولت به خواست مدیران بانک‌ها تمکین کرده است. نگرانی بانک‌ها از کاهش سود بانکی به ترس آن‌ها از خروج پول‌های مردم از بانک‌ها مربوط می‌شود، که در این صورت این مؤسسه‌های انگلی با بحران مواجه خواهند شد.

روزنامه جهان صنعت، ۳۱ فروردین‌ماه، در این‌باره آورده است: "اگرچه مسئولان اقتصادی دولت یازدهم بر کاهش سود سپرده بانکی تأکید دارند، اما نگرانی‌ها در رابطه با خروج سپرده‌های بانکی نزد بسیاری از کارشناسان وجود دارد به طوری که حتی قائم‌مقام بانک مرکزی با هشدار نسبت به تکرار تجربه‌های گذشته در زمینه سیاست‌های دستوری در بازار پول اظهار کرد: برای نمونه تصویب قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی در سال ۱۳۸۵ و بی‌توجهی به تحولات متغیرهای کلان اقتصادی و نرخ تورم در عمل به تشدید سرکوب مالی منجر شد که در نهایت و به دلیل عدم رعایت الزامات نظارتی، افزایش مطالبات غیرجاری [معوق] بانک‌ها را به‌همراه داشت."

تقی نتاج، مدیرعامل بانک مهر اقتصاد، در مصاحبه با خبرآنلاین، ۴ اردیبهشت‌ماه، به نحوه پشتیبانی دولت از بانک‌هایی که در معرض ورشکسته شدن قرار می‌گیرند می‌پردازد و می‌گوید: "بانک دولتی که هیچ‌وقت زمین نمی‌خورد. مگر دولت می‌گذارد این بانک زمین بخورد؟ مگر اینکه بانک‌های خصوصی باشند. بانک‌های دولتی را دولت حمایت مالی می‌کند ولی در مورد بانک غیردولتی احتمال دارد این اتفاق بیفتد." او در توضیح حمایت دولت از بانک‌های خصوصی می‌افزاید: "البته دولت از بانک‌های غیردولتی هم در شرایط خاص حمایت می‌کند به خاطر تبعات و پیامدهای اجتماعی نگران‌کننده‌ای که دارند." رشد قارچ گونه نهادهای مالی زیر عنوان‌های مختلف بر هیچ‌کس پوشیده نیست. همین امر باعث گردیده است که این نهادهای وابسته به جناح‌های حکومتی، آزادانه به فعالیت بپردازند و با استفاده از ترفندهای گوناگون نقدینگی‌های کلانی را به‌سوی مؤسسه‌های مالی‌شان سرازیر کنند. به‌نظر می‌رسد که تداخل کار این مؤسسه‌های مالی با بانک‌های دولتی در شکل‌گیری بحران مالی و سوق دادن اقتصاد به سوی فعالیت‌های انگلی، برنامه‌های دولت را نیز مختل کرده است.

روزنامه جهان صنعت، ۶ اردیبهشت‌ماه، یکی از حلقه‌های معیوب این زنجیر را، مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز، دانسته است که "در سال‌های اخیر نوعی رشد قارچ‌گونه را تجربه کرده‌اند و امروزه در هر گذر و معبری شاهد یک یا چند شعبه از آن‌ها هستیم که با تبلیغات فراوان در زمینه نرخ سودهای به‌مراتب بالاتر از بانک‌های تحت نظارت بانک مرکزی، سعی در جذب سرمایه دارند" و نیز به نقل از علی قنبری، استاد دانشگاه، "ادامه فعالیت این مؤسسات را معلول پشتوانه‌های قوی سیاسی-اجتماعی صاحبان آن‌ها قلمداد کرده است."

سایت فرارو، ۴ اردیبهشت‌ماه، به نقل از طیب‌نیا، وزیر اقتصاد، آورده است: "پول‌های این مؤسسات به سمت دلالتی و خدماتی و فعالیت‌هایی که فارغ از توجیه هستند، می‌رود چراکه بخش تولید توان پرداخت سود این تسهیلات را ندارد و بر این اساس برخورد با مؤسسات مالی که بیش از نرخ مصوب سود پرداخت می‌کنند، ضرورت دارد." نکته توجه‌برانگیز در این اظهارات و نوشته‌ها این است که با وجودی که مرتب از این "مؤسسات" با صفت "غیر مجاز" نام برده می‌شود، اما بنا به همان اظهارات و نوشته‌ها، این "مؤسسات" در هر کوی و برزن مشاهده می‌شوند و فعالیت علنی دارند. چطور امکان دارد مؤسسات مالی‌ای با این حجم عظیم گردش مالی مشغول به فعالیت باشند و در عین حال "غیر مجاز" هم باشند و مسئولان امور هم در مقابله با آن‌ها از حد حرف تجاوز نکنند.

کاهش نرخ سودهای بانکی با این توجیه صورت می‌گیرد که امکان دسترسی فعالان

زنان کارگر، و مبارزه برای تأمین منافع صنفی - سیاسی



بحث پیرامون نقش زنان در جامعه و جایگاه آنان در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، در هفته‌های اخیر، بار دیگر دامنه یافته است. در همایش "زنان، نقش آفرینان عرصه اقتصاد و فرهنگ"، در سال گذشته، بسیاری از مسئولان درجه اول رژیم، به‌ویژه وزیران دولت

روحانی، "افزایش" نقش زنان و حل معضل بیکاری فزاینده آنان را خواستار شده بودند. به‌طورمثال، وزیر کار دولت از لزوم تغییر نگاه به اشتغال زنان سخن گفته بود. با گذشت چندماه از این همایش و هیاهوهای تبلیغاتی‌اش، نه‌تنها از اشتغال زنان و تغییر نگاه به جایگاه آنان خبری نیست، بلکه طرح‌هایی زن‌ستیزانه و مغایر با افزایش نقش اجتماعی زنان از سوی رژیم تدوین و اعلام می‌شود. در میانه‌های فروردین ماه امسال، معاون رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده، در گفتگویی با خبرگزاری ایلنا، در پاسخ به پرسشی پیرامون "چگونگی پررنگ‌تر شدن نقش زنان در جامعه"، گفته بود: "بیشتر سال را به بررسی مسائل مرتبط با آن گذرانیم، امسال اقدامات بیشتری را در زمینه توانمندی زنان در امور اقتصادی انجام خواهیم داد." معنای پاسخ معاون رییس‌جمهور، در واقع، انجام نیافتن اقدامی جدی و واقعی در خصوص شعارهایی چون ارتقاء نقش زنان در اقتصاد و اجتماع است. اما باید تأکید کنیم که، در حقیقت مجموع سیاست‌های رژیم ولایت‌فقیه به محدودیت‌های فراوان و تضعیف جایگاه زنان در تمامی امور منجر شده است. مسئولان رژیم و دولت در حالی از افزایش و ارتقاء نقش زن در عرصه اقتصادی و حل معضل اشتغال زنان داد سخن در می‌دهند که بیکاری در میان زنان، به‌ویژه زنان کارگر، کارمند، و متخصص، سیری صعودی داشته است و وضعیت زندگی هزاران زن زحمتکش - به‌ویژه زنان کارگر که بسیاری از آنان در عین حال سرپرست خانوارند، بیش از پیش روبه وخامت گذارده است. در میان موج اخراج‌های وسیع ابتدای سال، زنان کارگر نخستین قربانیان و از اولین گروه‌های اخراجی از صنایع، کارخانه‌ها، و واحدهای تولیدی خدماتی بوده‌اند.

علاوه بر این، زنان کارگر مجبورند با دستمزدی پایین‌تر از همکاران مرد خود استخدام شوند. خبرگزاری ایسنا، در روزهای آغازین سال جاری، در گزارشی از وضعیت کار و زندگی زنان کارگر، به صراحت اعتراف کرده بود: "بخش عظیمی از زنان شاغل در بخش‌های خصوصی و خدماتی با حقوق ناچیز و دستمزد پایین به خدمت گرفته می‌شوند و از حقوق اولیه و حداقل‌های قانون کار و حتی دستمزد مصوب وزارت کار هم محروم‌اند. استخدام زنان با حقوق و دستمزد کم اجحاف بزرگی در حق زنان است." در بخشی دیگر از این گزارش آمده است: "زنان در محیط‌های کار بیشتر از ساعات قانون کار و بدون بیمه نگهداشته می‌شوند" و از آن‌ها کار کشیده می‌شود... نیروی کار زن صرف‌نظر از مشاغل خدماتی، در مشاغل سخت و طاقت‌فرسا نیز استفاده می‌شود، به این نحو که، در محیط‌های کار بسته و به‌دور از چشم بازرسان کار، با دستگاه‌های سنگین کار می‌کنند و وقتی لیست بیمه‌هایشان را می‌بینیم از ۳۰ روز ماه تنها ۵ روز برایشان بیمه رد شده است... چنانچه زنی (زن کارگر یا کارمند) باردار شد، بلافاصله او را به‌خاطر وضعیت بارداری و [برای اجتناب از] دادن مرخصی شش‌ماهه، اخراج می‌کنند... کدام کارفرمای بخش خصوصی قبول می‌کند که... به نیروی کار زن مرخصی زایمان بدهد؟! عمده کارفرمایان بخش خصوصی تمایل دارند که زنان مجرد را به کار بگیرند تا حقوق کمتری داده و از مسائل مرخصی زایمان خلاص شوند."

نکته مهم دیگر اینکه، بیش از ۹۸ درصد زنان کارگر ایران در رشته‌های تولیدی، صنعتی، و خدماتی با قرارداد موقت مشغول به‌کارند، و علاوه بر این، در مقابل کار مساوی با مردان، مزد کمتری دریافت می‌کنند. زنان کارگر بدون دست زدن به مبارزه‌ی پیگیر و حضور فعال در جنبش کارگری و سندیکایی، نخواهند توانست از منافع صنفی و سیاسی‌شان دفاع کنند و به استثمار و اجحاف و تبعیض جنسیتی طبقاتی‌ای که بر آنان تحمیل شده است پایان دهند.

منافع زنان کارگر تنها با مبارزه در صف‌های جنبش کارگری تأمین شده و خواهد شد!

ادامه اعلام نرخ سود بانکی ...

اقتصادی برای منابع مالی با نرخ‌های پایین‌تر را فراهم می‌آورد و این امر در روند بهبود وضع اقتصاد تأثیرگذار خواهد بود. تجربه‌های گذشته نشان داده‌اند که اتفاقاً این سیاست‌های تاکنون اجرا شده نه‌تنها به رشد اقتصادی منجر نشده‌اند، بلکه زمینه‌های فساد آشکار و پنهان را با استفاده از تسهیلات ارزان به‌نفع قشر انگلی فراهم آورده‌اند که نتیجه آن در رقم مطالبات معوق بانکی [۹۴ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان] نشان داده شده است و به‌تفسیر بیشتر نیازمند نیست.

روزنامه شرق، ۱ اردیبهشت‌ماه، سخنان فرشاد مؤمنی در این ارتباط را آورده است که می‌گوید: "باتوجه به شرایط کنونی اقتصادی و سیاسی ایران، ابتدا باید به اصلاح ساختار نهادی کشور که مشوق رانت‌جویان و رباخواران و تحمیل‌کنندگان فشار به تولید و ملت است، همت گماشت، چون کاهش نرخ سود به‌تنهایی به‌هیچ‌وجه دستاوردی ندارد و وارد کردن شوک‌های منفی به قیمت‌های کلیدی همان پیامدهای سوء وارد آمدن شوک‌های مثبت را خواهد داشت... اگر اصلاح صورت نگیرد، تغییر نرخ سود می‌تواند یک موج تازه رانت‌خواری و فساد به‌وجود آورد. اگر این هوشمندی نزد مدیران بانکی وجود داشته باشد، متوجه می‌شوند تابلوم بازار ارزی و سکه و مستغلات در چند سال گذشته ریشه در تمایلات رانت‌جویانه و ضد توسعه‌ای بانک‌های خصوصی و مؤسسات مالی غیررسمی داشته است، و تا زمانی که نظارت درست اعمال نشود، احتمال بروز آشفتنی و فساد وجود دارد... واقعیت این است که در اقتصاد ایران، آن‌گونه که باید هدف از کاهش نرخ سود، کمک به کاهش هزینه تولید نیست. گرچه مهم‌ترین هدف کاهش سود بانکی را حمایت از تولید قلمداد می‌کنند، اما این اقدام در یک اقتصاد رابطه‌مند و ناسالم، برای تولید کاری نمی‌کند، چراکه در ایران اعتبارات بانکی به بنگاه‌های کوچک و متوسط اعطا نمی‌شود."

نکته تامل‌برانگیز در این میان آن است که، قشرهای گسترده‌ای از مردم با سپردن پس اندازهای‌شان به بانک‌ها، از سودهای ماهانه آن‌ها برای تأمین هزینه‌های زندگی‌شان استفاده می‌کنند. کاهش نرخ سودهای بانکی بدون شک تأثیری منفی بر وضعیت آنان خواهد داشت. به‌نظر می‌رسد که دولت روحانی و تیم اقتصادی‌اش سهل‌ترین راه رسیدن به برنامه‌های مدنظر را در زیر فشار بیشتر قرار دادن مردم جستجو می‌کند. نخست اینکه، با کاهش نرخ سود سپرده‌ها توان مالی سپرده‌گذاران به‌تحلیل می‌رود، دوم اینکه، بنا بر تجربیات گذشته تسهیلات اعطایی یا سودهای پایین در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که اصولاً دیدگاه ضد تولیدی دارند و از این منابع برای مقاصد منفعت‌جویانه استفاده می‌کنند، سوم اینکه، منابع بانکی در اختیار کسانی قرار داده شده است که وصول قسط‌های پرداخت‌نشده [مطالبات معوق] از این افراد حقیقی و حقوقی پس از سال‌ها بدون نتیجه مانده است و به‌نظر می‌رسد مشمول مرور زمان شود، و در نهایت اینکه، کاهش و یا افزایش نرخ سودهای بانکی، در گذشته و حال، هیچ‌گونه بهبودی در وضعیت اقتصادی میهن به‌وجود نیاورده است. سیستم بانکی ایران نیازمند دگرگونی‌های ریشه‌ای و بنیادی است، و باتوجه به پینش‌های ضد تولیدی، نولیبرالی، و منفعت‌جویانه در حاکمیت، بهبودی این وضعیت، انتظاری عبث است.

کنگره های تاریخی کمونیست های هند

*** کمونیست های هند در کنگره های شان به مسئله مبارزه با تهاجم نولیبرالیسم اقتصادی را از یک سو، و به رشد بنیادگرایی مذهبی که در چهره "هندو ناسیسم" افراطی و برخورد های قومی بین مسلمانان و هندوها نمود یافته است از سوی دیگر، توجهی ویژه داشته اند.**

*** گسترش و تعمیق مبارزه با نولیبرالیسم از راه دقیق کردن شعار های تاکتیکی و استراتژیک سیاسی و مبارزاتی، تاکید بر ضرورت تقویت جبهه چپ (مربک از: دو حزب کمونیست و یک حزب سوسیالیست)، و کوشش برای اعاده کنترل سیاسی بر سه ایالت "بنگال غربی"، "کرالا"، و "تریپورا" و گسترش آن، در مرکز توجه کنگره های کمونیست های هند بوده است.**

یک میلیون و نیم کمونیست هندی، که در "حزب کمونیست هند" و متحد آن یعنی "حزب کمونیست (مارکسیست)" شکل یافته اند، همراه با ده ها میلیون کوشنده در جنبش های سندیکایی که دهقانان، زنان، و جوانان را نمایندگی می کنند، در کنگره های جداگانه، در فروردین ماه امسال، مسیر، آماج ها، و شعار های تاکتیکی و استراتژیک دو حزب برادر را به بحث گذاشتند و به تصویب رساندند. بیست و دومین کنگره "حزب کمونیست هند"، حزبی که بیش از ۹۰ سال عمر دارد، در روز های ۵ تا ۹ فروردین ماه ۱۳۹۴، با شعار: "تقویت و گسترش حزب از طریق مبارزه"، و با شرکت بیش از ۹۰۰ نماینده و میهمان ویژه، در ایالت ساحلی پودچری، در کناره خلیج بنگال، باشکوه و موفقیت فراوان برگزار شد. کنگره، برنامه جدید حزب را که از سه سال پیش در ساختار های پایه حزب مورد بحث بوده است، به تصویب رسانید. کمیته مرکزی حزب توده ایران، پیام تبریک و همبستگی ای به مناسبت برگزاری بیست و دومین کنگره، خطاب به رهبری، اعضا، و نمایندگان کنگره "حزب کمونیست هند" ارسال داشت و ضمن آن، برای بیست و دومین کنگره حزب برادر آرزوی موفقیت کرد. در خلال این پیام مفصل، کمیته مرکزی حزب توده ایران از همبستگی پیگیر و همه جانبه حزب برادر از مبارزه مردم ایران و حزب توده ایران، تشکر کرد.

بیست و یکمین کنگره "حزب کمونیست هند (مارکسیست)"، که بیش از یک میلیون عضو دارد و امسال پنجاهمین سالگرد پایه گذاری اش را جشن می گیرد، در حالی که رسانه های گروهی هند توجه ویژه ای به تصمیم های آن نشان می دادند، از ۲۵ تا ۲۹ فروردین ماه ۱۳۴۹، در ویساخاپاتنام، برگزار شد. بیست و یکمین کنگره "حزب کمونیست هند (مارکسیست)"، وظیفه بحث، بررسی، و تصویب "طرح خط سیاسی تاکتیکی" حزب برای تنظیم پلانترم مبارزه حزب - که در سال های اخیر با چالش هایی روبه رو بوده است - را در برابر خود داشت. علاوه بر این وظیفه، کنگره انتخاب دبیرکل جدید حزب را نیز در دستور کار داشت. کمیته مرکزی حزب توده ایران، در پیام تبریک و همبستگی ای به مناسبت برگزاری بیست و یکمین کنگره حزب برادر، خطاب به رهبری، اعضا، و نمایندگان کنگره "حزب کمونیست هند (مارکسیست)"، که در دهه های اخیر رابطه بسیار نزدیکی با حزب ما داشته است، برای این کنگره آرزوی موفقیت کرد. بیست و یکمین کنگره، گزارش کمیسیون ویژه کمیته مرکزی حزب درباره مشکلات سیاسی در مسیر مبارزات انتخاباتی و عملکرد ضعیف حزب در انتخابات را مورد بررسی قرار داد. کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)، در خرداد ماه گذشته، بر پایه نقد و بررسی گزارش کمیسیون، ضرورت ۴ اقدام اساسی، از جمله بازنگری در خط سیاسی تاکتیکی، بررسی عملکرد سازمان حزب و جهت کار در میان مردم، بررسی کار و فعالیت هدفمند و مستقل سازمان های توده ای، و مطالعه دقیق در ارتباط با تغییر در شرایط اجتماعی و اقتصادی به دلیل عملکرد نولیبرالیسم اقتصادی و تأثیر آن بر طبقات مختلف با هدف تدوین و تکامل شعار های مشخص حزب در مبارزه، را تصویب کرده بود.

بیست و یکمین کنگره، در ادامه کار خود، رفیق "سیتارام یچوری" را، که تا پیش از این کنگره دبیر شعبه بین المللی حزب، رهبر فراکسیون چپ در مجلس سنا [ی هند] و سخنگوی محبوب حزب در کشور بوده است، به مقام

دبیرکل حزب انتخاب کرد. رفیق سیتارام یچوری که مسئولیت بخش اقتصادی حزب را به عهده داشته و مدارک تحصیل دانشگاهی در رشته اقتصاد دارد، از سال ۱۹۹۲ عضو کمیته مرکزی حزب بوده است. او در نخستین سخنانش در مقام دبیرکل جدید حزب پس از پایان کار کنگره، اعلام داشت که وحدت دو حزب کمونیست، که درباره آن سال ها میان دو حزب بحث و تبادل نظر شده است، در دستور کار قرار دارد. او برای دستیابی به این وحدت چارچوب زمانی ای تعیین نکرد، اما بر پایه سخنانش ایشان و رهبران برجسته حزب کمونیست هند در گذشته بی نه چندان دور، می توان نتیجه گرفت که روند وحدت دوباره کمونیست های هند، به لحاظ کیفی، وارد مرحله جدیدی شده است.

متن سخنرانی رفیق "سودها کاردی" - دبیرکل حزب کمونیست هندوستان - در مراسم گشایش کنگره بیست و دوم - پودچری، ۵ فروردین ماه ۹۴



رفقای گرامی رهبری، رفیق عزیز "پراکاش کارات"، دبیرکل حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، رفیق عزیز "دایبرانابیسواس"، دبیرکل بلوک "به پیش" سراسر هندوستان، رفیق گرامی "دی پانکار بها تاجاریا"، دبیرکل حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست)، رفیق گرامی "آبانی روی"، دبیر حزب سوسیالیست انقلابی، رفیق "عزیز پرواش گوش"، دبیرکل مرکز وحدت سوسیالیستی (کمونیست)، رفقای گرامی نماینده، نمایندگان جاننشین، ناظران، دعوت شدگان پیشکسوت، و میهمانان عزیز!

در آغاز خرسندم از اینکه از سوی شورای ملی حزب کمونیست هندوستان حضور شما را در نشست گشایش بیست و دومین کنگره حزب کمونیست هندوستان در شهر تاریخی "پودچری" خوش آمد بگویم. و نیز خرسندم از اینکه رهبران برجسته حزب های کمونیست هندوستان در این نشست حضور دارند، رویدادی که نه تنها برای نمایندگان ما، بلکه برای دوستداران جنبش چپ الهام بخش است و نشان مثبتی از سیر تکوینی اتحاد بین نیرو های چپ است. ما در زمانی گرد هم آمده ایم که زحمتکشان در سراسر جهان و اینجا در هندوستان با دشواری های بی شمار گرسنگی، بیکاری، کمبود اشتغال، سرکوب حقوق دموکراتیک و حقوق بشر و بهره گیری بی رحمانه سرمایه داری روبه رویند. سرمایه داری در بحرانی عمیق به ویژه در ایالات متحده و اروپا بسر می برد. بازار آزاد با ولع پایان ناپذیرش برای سود کلان، صدها بانک و مؤسسه مالی را به ورشکستگی کشاند که به بیکاری بیشتر، افزایش قیمت ها همراه با نگون بختی برای مردم منجر گردید.

در کشورهای به اصطلاح آسوده از بحران، همانند آلمان، فرانسه، و ایتالیا، رشد ناخالص داخلی میان یک دهم تا دودهم درصد در نوسان و با در حالت نیمه رکود است. ایالات متحده بزرگترین کشور بدهکار جهان شده است. بدهی ها در زاین و برخی کشورهای اروپایی بالغ بر ۲۵۰ تا ۴۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی آن ها است. با وجود بحران، دارایی شرکت ها و افراد ثروتمند رو به افزایش دارد و فاصله میان فقیران و ثروتمندان به طور ناهنجاری در حال افزایش است. بار بحران به طرز بی رحمانه ای بر دوش زحمتکشان، فقیران و بازنشستگان سالخورده انداخته می شود.

اتحادیه اروپا در تباری با ایالات متحده علیه کشورهای که با را از گلیم خود فراتر می گذارند با محاصره اقتصادی و راهکار های تورومیز برخورد می کند. کمونیست ها بی دریی مورد اذیت و آزار قرار می گیرند. اما شیخ کمونیسم امروز بار دیگر بر فراز اروپا در حال گردش است. شیوه های دیکتاتوری تک قطبی نیرو های نوامپریالیستی از سوی مردم به چالش طلییده می شوند. هرکجا که

ادامه کنگره تاریخی کمونیست های ...

همچنین در زمانی که ۲۵ درصد دارایی ملی از سوی ۶۸۱ خانواده یا شرکت‌های سهامی چپاول می‌شود، ۲۸۰ میلیون نفر در یک زندگی فلاکت‌بار از تهیدستی و بی‌نویایی کامل رنج می‌برند. روستاییان در وضعیت درماندگی و افسردگی بسر می‌برند و در منطقه‌های "ویداریها"، "تالانگانا"، "کاماتاکا" و جاهای دیگر صدها تن از آنان برای رها شدن از زنجیرهای بدهی دست به خودکشی می‌زنند. دولت از پذیرفتن چنین داده‌هایی [فاکت‌هایی] سرباز می‌زند. فساد در نهادهای دولتی همچنین رو به افزایش است. نخست‌وزیر با روشی مستبدانه، غیرشفاف، و فردگرایانه، انجام وظیفه می‌کند. کیش شخصیت تا پیش از هم‌پاشیدگی در انتخابات دهلی فراز ناخوشایندی را طی می‌کرد. از سوی دیگر، نیروهای تندرو مذهبی هندو - "گهار واپسی" - زیر پوشش فعالیت‌های نوکیشی به کارزار وحشت‌آفرینی‌ای بر ضد پیروان دین‌ها و آیین‌های دیگر دست زده‌اند تا آن‌ها را به تغییر مذهب وادارند. کلیساهای مسیحیان در دهلی و دیگر منطقه‌ها مورد یورش و ویرانی قرار می‌گیرند. ترور فرهنگ‌با ارشاد "سانگه پارپور"، که ائتلافی از سازمان‌های ناسیونالیست هندو است، به کار گرفته می‌شود. برای سوزاندن کتاب‌های تاریخی و بازنویسی آن‌ها - متناسب با پنداشته‌های ذهنی خودشان فراخوان داده می‌شود و با تاخت‌وتاز به گرایش‌های علمی و دانش‌پژوهانه، هنرمندان و نویسندگان به شدت نادیده گرفته می‌شوند. نگاره‌های گانندی و دیگر رهبران جنبش ملی مخدوش می‌شوند تا تصویرهای "گودسه"، فرقه‌آمران توطئه و قاتلان گانندی، را جایگزین آن‌ها کنند.

از هیچ کوششی برای تقسیم کشور بر اساس مرزبندی‌های مذهبی و آفرینش تش و ترس روانی به‌فصلد به انحراف کشاندن توجه همگانی از مسئله‌های عمده میهن‌گونا نمی‌شود. نارواداری و کینه‌ورزی نسبت به دیگران‌دیشان در حال افزایش است. رفیق "گوویند پانساره"، رهبر باسابقه حزب و یکی از مبارزان بی‌همتا بر ضد نیروهای واپسی‌گرا، نخستین شهید حزب به سبب مبارزه سرسختانه‌اش علیه فرقه‌گرایی و برای گسترش بینش علمی - پس از تصرف قدرت از سوی "بهاراتیا جاناتا" - به‌شمار می‌رود.

با اینهمه، توده‌ها با صراحت، ناخوشنودی‌شان را از سیاست‌های اقتصادی ضد‌مردمی و ترندهای پلشت فرقه‌گرایانه ابراز می‌کنند. اعتصاب اتحادیه‌های کارگران مرکزی معدن (CTU)، اعتصاب کارکنان بانک‌ها، اعتصاب کارکنان اداره پست، اعتصاب پیشنهادهی کارکنان دولت مرکزی، فراخوان CTU برای یک اعتصاب سرتاسری، مبارزه مردم کبسان [قبیله‌ی] در هند و در زبان هندو اشاره به دهقانان و زارعین تهیدست است. همگی، تنها بخشی از ناسازگاری‌های مردم با این سیاست‌ها است.

نتیجه انتخابات دهلی‌نو نشان‌دهنده رد سیاست‌های اقتصادی و فرقه‌گرایانه دولت "بهاراتیا جاناتا" از سوی مردم است، نتیجه‌ی که باعث تزلزل در شیادگی‌ها و سنگدلی‌های حزب "سانگه پارپور" [ائتلافی از سازمان‌های ناسیونالیست هندو] شده است. چه‌بسا که آنان به‌جای درس‌آموزی مناسب از این نتیجه، سیاست تفرقه‌اندازی فرقه‌گرایانه‌شان را شدت بخشیدند.

در انتخابات اخیر نیروی چپ تضعیف شد و مردم را دل‌سرد کرد. اما باید گفت که چپ درمانده نشده است. به‌روی کار آمدن و قدرت‌گیری راست، چالش و فرصت‌هایی نو را برای نیروهای چپ به ارمغان آورده است تا برنامه عمل نیروهای راست را افشا و مردم را برای مبارزه با آن‌ها بسیج کند، که وظیفه دشواری است، ولی تنها چپ می‌تواند از عهده آن برآید. از نظام غیرمذهبی برای حفظ یکپارچگی کشور بزرگ‌مان باید با هر بهایی دفاع شود. دمکراسی باید مورد حمایت قرار گیرد. حقوق کارگران و دهقانان که به‌سختی به‌دست‌آمده‌اند باید در برابر یورش بی‌امان ثروتمندان و قدرتمندان بازپس گرفته شوند. از آزادی بیان باید حمایت شود.

منبع‌های طبیعی و دارایی ملی را باید پاس داشت. سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی باید پس زده شوند و حقوق اقتصادی ما باید حمایت شوند. تاریخ بار این پیکار بزرگ را بر شانه‌های نیروهای چپ نهاده است. بیاید آن را بپذیریم. برای به سرانجام رساندن این نبرد دشوار، ما باید اعتماد مردم را جلب کنیم. اتحاد چپ، پیش‌شرط دستیابی به اتحاد گسترده و دمکراتیک چپ است. بیاید متحد شویم و این اعتماد را به مردم بازگردانیم. آری، ما بر این مرحله دشواری که مردم‌مان با آن رودررویند، چیره خواهیم شد. بیاید با سرفرازی و شهامت، به‌اتفاق و همراه با یکدیگر، گام به‌پیش بگذاریم. بیاید به نویسندگان، تاریخ‌شناسان، هنرمندان، اقلیت‌های مذهبی با زبان‌های گوناگون، بیبویان، دهقانان "ادیواسیس"، مجموعه‌ی از گروه‌های ناهمگن بومی، قبیله‌ای و مذهبی در هندوستان، و همه زحمتکشان، این اطمینان را بدهیم که، نیروهای چپ با آنان همراهند، برای نیازهای آنان مبارزه می‌کنند، و مدافع حقوق دمکراتیک مدنی آنان‌اند. بیاید در پیش‌روی، همگام شویم.

رفقای گرمای، در پایان، یک‌بار دیگر به‌حضور شما در بیست‌ودومین کنگره حزب کمونیست هند، خوشامد می‌گویم.

پایدار باد اتحاد کمونیست‌ها! پایدار باد اتحاد چپ! پایدار باد حزب کمونیست هند!

چپ قدرتی دارد اعتصاب و تظاهرات صورت می‌پذیرد. انتخابات اخیر در یونان، بر اندام اتحادیه اروپا، صندوق بین‌المللی پول و دیگر نهادهایی از این دست، لرزه انداخته است. طبقه کارگر یونان بر سید به‌اصطلاح کمک - که درواقع دام‌هایی کار گذاشته‌شده از سوی اتحادیه اروپا هستند، دست زد است. بیان اراده مردم یونان بدون شک الهام‌بخش مردم اروپا در مبارزه با تهاجم اتحادیه اروپا علیه مردم زحمتکش خواهد شد. افزایش نفوذ حزب‌های کمونیست روسیه، ژاپن، و نیپال، مایه خشنودی است. تحکیم نیروهای چپ و سوسیالیست در آمریکای لاتین، پذیرش ایالات‌متحده به شکست تحریم‌های نخ‌نما شده‌اش برضد کوبا، همگی، پیروزی‌هایی تاریخی برای مردم کوبا و آمریکای لاتین بشمار می‌روند. انقلاب یاسمنی هرچند اکنون از تب‌وتاب افتاده است، اما نشانه‌ی از خشم توده‌های عرب علیه حکومت‌های فاسد و دیکتاتوری‌های دست‌نشانده ایالات‌متحده است. این آتش‌فشانی است که هر آن می‌تواند دوباره فوران کند. امپریالیست‌ها نیروهای هار بنیادگرایی اسلامی را به دامن زدن جنگ داخلی میان فرقه‌های مختلف مردم تشویق می‌کنند تا به‌این‌ترتیب توجه توده‌ها را از مبارزه‌های اصلی منحرف سازند. تروریست‌های داعش، که تا دندان از سوی نیروهای امپریالیستی مسلح شده‌اند، خونریزی دهشتناک و مرگ‌ر بار هزاران تن از مردم بی‌گناه تحمیل کرده‌اند.

اینجا، در هندوستان، انتخابات سال گذشته، حزب هار فرقه‌گرایی طرفدار سرمایه‌داری، یعنی حزب "بهاراتیا جاناتا"، را در پیش‌زمینه خشم مردم از حکومت ائتلافی "متحد پیشرو" به‌رهبری حزب "کنگره" و برملا شدن فساد سیاسی گسترده و حیف‌ومیل صدها هزار روپیه، بر سر کار آورد. این تنها انتقال قدرتی از سوی حزبی بورژوازی به حزب بورژوازی‌ای دیگر نبود، بلکه انتقال قدرت به واپس‌گراترین گروه سیاسی با هدایت مستقیم سازمان ناسیونالیستی هندوی "سانگه پارپور" بود. رسانه‌های جانب‌دار شرکت‌های خصوصی و قدرت مالی آن‌ها نیز به‌طور مستقیم و بی‌شرمانه با به میدان گذاشتن تا فضایی از "رضایت‌مهندسی‌شده" به‌نفع "بهاراتیا جاناتا" پدید آورند. مردم‌فریبی "نارندرا مودی" [نخست‌وزیر کنونی] با قول‌های بلندبالا برای بازگرداندن پول‌های سیاه انبارشده در بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی خارجی، پاک‌سازی کشور از فساد مالی، تنظیم قیمت‌ها و غیره، بخش‌های بزرگی از مردم مردد را به‌دام انداخت و راه را برای قدرت گرفتن حزب "بهاراتیا جاناتا" هموار کرد.

همان‌طور که انتظار می‌رفت، حزب "بهاراتیا جاناتا" به‌رهبری نارندرا مودی، بدون از دست دادن وقت، برای خوشنودی شرکت‌های فراملی و کسب تسهیلات مالی سودآور و دادن امتیازهای بی‌شمار به شرکت‌ها و کارخانه‌داران هندی، دست به کار شد. مالیات بر درآمد برای ثروتمندان زالوصفت کاهش پنج‌درصدی یافت، و روی هم‌رفته، مالیات بر ثروت از میان برداشته شده است. قانون کار به‌سود نیازهایی کارخانه‌داران اصلاح گردیده است. لایحه کسب و ترمیم زمین، نخست با مقررات محلی اصلاح شد و اکنون تلاش می‌شود که این اصلاحیه‌ها در شورای عالی مجلس ملی به‌تصویب رسانده شوند. در متن لایحه اصلاح بیمه در جهت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، با حمایت حزب کنگره هند، تا ۴۹ درصد، در آن تجدیدنظر شده است. برای پیاده کردن سیاست‌های اقتصاد نولیبرالی‌ای همانند لایحه اصلاح بیمه، میان حزب "بهاراتیا جاناتا" و حزب "کنگره" مسابقه‌ی از پیش تعیین‌شده در جریان است تا این سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی اجزایی گردند. به‌بهانه مزایده الکترونیکی، بهره‌برداری از کان‌های زغال‌سنگ به‌اجاره‌های طولانی‌مدت داده می‌شود که در عمل به خصوصی‌سازی کامل آن‌ها می‌انجامد. ادعای گزاف بازگرداندن پول سیاه، که تنها به دادن قول برای انجام برخی اقدام‌ها محدود می‌شود، چهره واقعی "بهاراتیا جاناتا" را آشکار می‌سازد. کمیته برپاشده که هواداران "بهاراتیا جاناتا" بر عملکرد آن کنترل دارد، پیشنهاد کرد تا تأمین غذایی را به ۴ درصد از مردم محدود شود، و بدین ترتیب رساندن غذا به فقیران و نیازمندان دریغ شده است. هیچ کوششی برای تنظیم بهای دانه‌های غذایی و فرآورده‌های اصلی کشاورزی که بهای آن‌ها بار دیگر سر به آسمان گذاشته است، صورت نمی‌گیرد.

ادامه دومین مرحله بنیادین ...

نمود دستمزدهای بالا بدهد، مالیات‌های سنگین [بر پولدارها] ببندد، و به تعهدهای اجتماعی داخلی‌اش پای‌بند باشد. در این سند آمده است که: "در تئوری، کامیابی دموکراتیک آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۴ که خود دستاوردی بنیادی و ریشه‌یی بود، بستری شد برای یک برنامه تحول اقتصادی-اجتماعی عمده و بنیادی، اما از بسیاری جنبه‌ها، از این فرصت درست استفاده نشد. این وضع تا حدی ناشی از عقب‌نشینی الگوهای ترقی خواهانه، و در نتیجه، ضعیف شدن روحیه و از هم‌گسیختگی نیروهای چپ در سطح جهان بود." در حقیقت، حزب ما معتقد است که "از امکانی که آن بستر تاریخی حاصل از کامیابی سیاسی بنیادی در کشور (یعنی الغای حکومت اقلیت سفیدپوست در قانون اساسی) به وجود آورد، برای پیشبرد یک برنامه تحول ساختاری بنیادی "دوم" در اقتصاد تولیدی کشور استفاده نشد."

مضمون و محتوای دومین مرحله بنیادی انقلاب ملی دموکراتیک چیست؟

در دو دهه‌ای که از تحول تاریخی و دموکراتیک سال ۱۹۹۴ می‌گذرد، جامعه آفریقای جنوبی هنوز به طور گسترده‌ای با میراث رژیم گذشته آپارتاید درگیر است. به‌علاوه، جامعه آفریقای جنوبی هنوز از بیکاری در حد بحرانی، و از فقر گسترده و شدید رنج می‌برد. این بحران سه‌گانه مشخصه‌های نگرانی‌آوری دارد که البته تا حدی هم بازتاب بحران سرمایه‌داری جهانی در سال ۲۰۰۸ [۱۳۸۷ش] بر اقتصاد آفریقای جنوبی است. اما حتی در دوره‌هایی هم که رشد اقتصادی به‌نسبت خوب بود، از جمله در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ [دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ش]، باز هم شاهد بحران بیکاری، نابرابری و فقر بوده‌ایم. روشن است که دشواری‌ها و چالش‌های اقتصادی و اجتماعی اساسی جامعه ما، چالش‌هایی ریشه‌یی و ساختاری‌اند، و فقط ناشی از رکود موقتی اقتصاد نیستند. این بدان معناست که برنامه عمل ما نمی‌تواند صرفاً این باشد که صبر کنیم و منتظر تکانی در اقتصاد یا رشد اقتصادی در همان جهت و مسیری باشیم که در گذشته دنبال شده است. بازتاب آن بحران سه‌گانه را می‌توان در ناآرامی‌ها و اعتراض‌های مردمی، رشد احساس بیگانگی و بی‌اعتنایی نسبت به جامعه، استیصال و برآشفستگی، و دل‌سردی و یأس در میان بخش بزرگی از جوانان، بیکاران، کم‌درآمدها، کپزنشین‌ها، و به اصطلاح "طبقه متوسط سیاه‌پوست" دید که بیشترشان جزو زحمتکشان صاحب تخصص یا خویش‌فرما و غالباً صاحبان سرمایه‌های کوچکی هستند که کسب‌وکار پُروقتی ندارند. خلاصه اینکه طیف گسترده‌ای از قشرهای مردمی دستمزدبگیر و غیردستمزدبگیر پیامدهای آن بحران سه‌گانه را احساس می‌کنند.

فراخوان حزب برای پیشبرد دومین مرحله بنیادی انقلاب ملی دموکراتیک در واقع برنامه‌ای راهبردی است که قدرت دولتی و فعالیت مردمی را با یکدیگر تلفیق می‌کند. این مرحله جدید، بخشی از گذار و تحول مداوم و پیوسته انقلاب ملی دموکراتیک است و نه یک "دوره" جدا از آن. این بدان معناست که ما اگر بخواهیم مضمون و محتوای این مرحله دوم را تعیین و تعریف کنیم، باید محدودیت‌ها و محتوای عمده مرحله اول را خوب بشناسیم و مشخص کنیم.

انقلاب ملی دموکراتیک ما در مرحله اول (در لحظه‌های حساس و حیاتی اوایل جنبش و انقلاب) دارای این مشخصات بود: گفتگوهای چندجانبه حزب‌های سیاسی در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ [۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ش] که در نهایت به این توافق انجامید (بیشتر بر اثر فشار حرکت‌های توده‌ی مردم) که قانون اساسی آینده کشور را فقط مجلس مؤسسانی می‌تواند تهیه و تنظیم کند که به طور دموکراتیک انتخاب شده باشد؛

موفقیت بزرگ در انتخابات دموکراتیک سال ۱۹۹۴ (که به رژیم آپارتاید پایان داد)؛ تصویب قانون اساسی سال ۱۹۹۶ [۱۳۷۵ش].

مرحله اول خودش مرحله‌ای بنیادی بود که حاکمیت اقلیت سفیدپوست را از لحاظ سیاسی و قضایی و قانون اساسی لغو کرد. می‌شود گفت که مرحله اول سکویی بود برای تدوین و اجرای برنامه عظیم بازتوزیع اقتصادی-اجتماعی در عرصه جامعه. از میان دستاوردهای قابل توجه آن مرحله می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

بیشتر از ۱۶ میلیون نفر (تقریباً یک‌سوم جمعیت آفریقای جنوبی) اکنون از طیف گسترده‌ای از خدمات و کمک‌های مالی اجتماعی برخوردارند؛ این رقم در سال ۱۹۹۴ فقط ۳ میلیون بود؛

از سال ۱۹۹۶ تا کنون، بیشتر از ۷ میلیون خانه جدید برق‌دار شده‌اند؛ بیشتر از ۳/۳ میلیون خانه رایگان برای مردم ساخته شده است که بیشتر از ۱۶ میلیون نفر را در خود اسکان داده‌اند؛

بیشتر از ۱/۴ میلیون دانشجو از وام دانشجویی برخوردار شده‌اند؛ بیشتر از ۹ میلیون دانش آموز در ۲۰ هزار مدرسه هر روز غذای رایگان دریافت می‌کنند؛ در پنج سال گذشته، بیشتر از ۴۰۰ هزار آبرگرمکن خورشیدی به رایگان روی بام خانه‌های افراد کم‌درآمد و تنگدست نصب شده است، که یکی از بزرگ‌ترین طرح‌ها در نوع خود در جهان بوده است.

اما باید اذعان کرد که این روند عظیم توزیع ثروت، یکدست و یکنواخت نبوده است. بسیار پیش آمده است که نتوانسته‌ایم به هدفی که معین کرده بودیم برسیم؛ گاهی کیفیت "اعانه دادن" بد بوده است؛ و در خیلی از موارد، در نگهداری از زیرساخت‌های تازه غفلت شده است. به‌علاوه، با مسئله فساد هم روبرو بوده‌ایم، و در وضعیت بحران بیکاری شدید و فقر و نابرابری، روند بازتوزیع ثروت به‌هیچ‌وجه نتوانست چالش‌های عظیمی را که جامعه با آنها روبرو بود حل‌وفصل کند.

بازتوزیع شد، ولی تحول ساختاری ناکافی بود

در بیست سال گذشته، تأکید آفریقای جنوبی دموکراتیک در زمینه اقتصادی-اجتماعی بر "بازتوزیع" بوده است. بازتوزیع ستون عمده انقلاب ملی دموکراتیک ماست و همچنان باید باشد. اما تأکید بر بازتوزیع مانع توجه به کار حساس و حیاتی ایجاد تحول در مشخصه‌های ساختاری اقتصاد تولیدی آفریقای جنوبی شده است. ما کوشیده‌ایم- و در این راه موفقیت‌هایی هم داشته‌ایم- که مازاد پول موجود را (به طور عمده در خزانه دولت) در جامعه بازتوزیع کنیم. اما منابع مالی ما از بخشی از مازاد درآمد تأمین می‌شود که در اقتصاد تولیدی متحول نشده‌ای تولید شده است که همچنان در مسیری به‌شدت مسئله‌ساز و مشکل‌آفرین حرکت می‌کند. دقیقاً همین اقتصاد تولیدی متحول نشده است که عامل اصلی زایش مجدد بیکاری گسترده و بحرانی، و فقر و نابرابری است، که حل‌وفصل آن مستلزم تلاش پیگیر در امر بازتوزیع ثروت است. از این گذشته، بخشی از این بازتوزیع منجر به تحکیم و تقویت سرمایه خصوصی انحصاری موجود نیز شده است.

به این ترتیب، برای اینکه بتوانیم مرحله اول انقلاب ملی دموکراتیک‌مان را به پیش ببریم، عمیق‌تر کنیم، و از آن دفاع کنیم، باید گام در مرحله بنیادی دوم بگذاریم. کامیابی در این مرحله دوم انقلاب ملی دموکراتیک مستلزم آن است که کار را از حالت صرف "اعانه دادن" و "بازتوزیع" خارج کنیم. این بدان معناست که باید با استفاده از امکانات "اتلاف"، حزب کمونیست و کنگره ملی آفریقا و کنگره سندیکاهای آفریقای جنوبی "کوساتو" که در میان مردم و در زندگی و تکاپوی روزمره آنها حضور دارد، مشارکت و فعالیت مردمی و توانمندسازی مردم را برانگیزیم و گسترش دهیم.

به‌علاوه، باید دولت دموکراتیک و توسعه‌گرایی داشته باشیم که از توده‌های مردم قدرت بگیرد و متقابلاً به آنها قدرت بدهد. موفقیت در این امر نیاز به دولتی دارد که رابطه متفاوتی با طبقه کارگر و زحمتکشان کشور داشته باشد. همچنین، مستلزم تحکیم وحدت راهبردی، برنامه‌ریزی درازمدت، و نظم و انضباط در درون دولت است. که دقیقاً ریشه در پیشبرد دومین مرحله بنیادی انقلاب ملی دموکراتیک دارد.

موضوع این نیست که حالا باید منتظر مرحله دوم بمانیم. بسیاری از عناصر این مرحله هم‌اکنون در سیاست‌ها و برنامه‌های کنونی دولت وجود دارد. ولی باید آنها را تحکیم و تقویت کرد. باید نظم و انضباط راهبردی بهتری را در سراسر ساختار دولت، در "اتلاف" مان به رهبری کنگره ملی آفریقا، و در درون پایگاه‌های مردمی‌مان به وجود آوریم و حفظ کنیم. آنچه در رسیدن به این هدف‌ها مهم و حیاتی است، شناخت و درک جمعی و متحد کننده از مضمون و محتوای دومین مرحله بنیادی‌تر انقلاب ملی دموکراتیک است.

دومین مرحله بنیادی انقلاب ملی دموکراتیک در آفریقای جنوبی



بحث درباره روند تکاملی انقلاب‌های ملی - دموکراتیک در شرایط ویژه و مشخص توازن کنونی نیروها در جهان، و نیز سرنوشت این روند، در سال‌های اخیر، در جنبش کمونیست - کارگری جهان، با جدیت و در سطح‌هایی متفاوت، در جریان بوده است. نمایندگان حزب توده ایران، در بحث‌هایی دامنه‌دار در مسیر بهره‌مند شدن از تجربه‌های مملوس حزب‌های برادر که به شکلی در این جنبه از سامان دهی به مبارزه زحمتکشان و طبقه کارگر کشورشان درگیرند، به دقت و دربرداشت‌ها و آموزه‌های ضروری به‌منظور ارائه در شرایط معین ایران، سعی ورزیده‌اند. برای نمونه، بحث‌هایی است که رفقای نماینده حزب با رفقای حزب کمونیست آفریقای جنوبی داشته‌اند، و هدف از آن، درک جنبه‌های گوناگون مبارزه مهم و پیچیده‌ای بوده است که طبقه کارگر آفریقای جنوبی برای به‌وجود آوردن تحول‌های اساسی در کشور و هدایت جامعه به مرحله‌هایی عالی‌تر و آماج‌هایی سوسیالیستی - در شرایط خاص این کشور - به‌پیش برده است. در ادامه بحث‌های پیشین با رفیق "کریس متلکو" - عضو هیئت سیاسی، عضو هیئت تحریریه نشریه "توریک" کمونیست آفریقای جنوبی، و دبیر شعبه روابط بین‌المللی حزب کمونیست آفریقای جنوبی - از او خواستیم تا در زمینه بحث اشاره‌شده در بالا، آنچه که در آخرین شماره‌های نشریه "توریک" کمونیست آفریقای جنوبی آمده است را در قالب مقاله‌یی برای درج در "نامه مردم" بگنجانند. مقاله حاضر، پیش‌درآمدی است بر شرح گوشه‌هایی از مبارزه "توریک"، میدانی، و عملی رفقای حزب کمونیست آفریقای جنوبی، که می‌تواند توجه کوشندگان چپ میهنمان را به این بحث برانگیزد.

۱. بازتوزیع اجتماعی - اقتصادی ثروت صورت گرفت، ولی تحول ساختاری، به‌ویژه در شاخص‌های بنیادی و ساختاری اقتصاد تولیدی به اندازه کافی صورت نگرفت؛
۲. تلاش دولت برای بازتوزیع، تقریباً به طور کامل به صورت یک روند "اعانه دادن" دولتی از بالا به پایین درک و اجرا شد.
تحول تاریخی و عظیم آفریقای جنوبی در طرد رژیم آپارتاید، در اوضاع و احوال جهانی پیچیده‌ای رخ داد. در سند چشم‌انداز حزب آمده است: "درست در زمانی که آفریقای جنوبی دموکراتیک شکل می‌گرفت، اردوگاه سوسیالیستی در عمل فروریخته بود. در اروپای غربی، دوره به نسبت مترقی سوسیال دموکراسی که از سال ۱۹۴۵ [۱۳۲۴ش] تا اوایل دهه ۱۹۷۰ [۱۳۵۰ش] ادامه داشت، افول کرده بود. دستاوردهای اجتماعی مهم طبقه کارگر و مردم در چارچوب جامعه سرمایه‌داری متوقف شده بود و سرمایه‌داری انحصاری ملی که به سرعت جهانی می‌شد این دستاوردها را پس می‌گرفت، و در شرایطی که کشورهای "جنوب" را که دستمزدها در آنها بسیار پایین بود به سوی خود جلب می‌کرد، دیگر حاضر

جنبش‌هایی ملی آفریقای جنوبی به رهبری کنگره ملی آفریقا از زمانی که موضوع "دومین مرحله بنیادی انقلاب ملی دموکراتیک" در نشست شورای سراسری کنگره ملی آفریقا در سال ۲۰۱۲ [سه سال پیش] مطرح شد تا کنون در تلاش بوده است که مضمون و مفهوم این مرحله را به‌دقت و با روشنی تعریف کند. در سراسر بحث‌هایی که در این زمینه شده است، یک موضوع معلوم و مسلم بوده است و آن اینکه اگر قرار باشد که سومین دهه فرایند دموکراتیک کردن جامعه برای اکثریت مردم و به‌ویژه برای طبقه کارگر و تهی‌دستان مملوس و قابل توجه باشد، باید رویکرد ریشه‌یی‌تر و بنیادی‌تری در پیش گرفته شود. در مجموع همه می‌پذیرند که دهه اول دموکراتیک کردن جامعه آفریقای جنوبی به طور عمده به سود سرمایه بوده است و کیفیت زندگی اکثریت مردم را به صورت چشمگیری متحول نکرده است، اگرچه تحول‌های اجتماعی عظیم و اقدام‌های مؤثر دیگری برای توزیع بهتر ثروت و تأمین مالی همه زحمتکشان صرف‌نظر از نژاد و رنگ پوست و مرام صورت گرفته است (برای مثال در زمینه بازنشستگی و حقوق بیکاری و غیره). با وجود اجرای طرح‌های بسیار مؤثر در زمینه بازتوزیع ثروت (از لحاظ سرانه)، ولی نابرابری و فقر و بیکاری هنوز در حد بحرانی وجود دارد.

ترجمه حزب کمونیست آفریقای جنوبی که در سند "توجه به ریشه‌ها" آمده است، و تعریف و تشریح مفهوم "دومین مرحله بنیادی انقلاب ملی دموکراتیک" توسط حزب این است که: با وجود همه دستاوردهایی که داشته‌ایم، ولی باید گفت که در روند انقلاب از سال ۱۹۹۴ [۱۳۷۳ش]، سال انتخابات سراسری آزاد در آفریقای جنوبی که منجر به پیروزی کنگره ملی آفریقا و طرد رژیم آپارتاید شد تا کنون دو محدودیت عمده وجود داشته است:

ادامه در صفحه ۱۵

کمک مالی رسیده

۱۶۰ یورو

رفیق کارگر از برلین

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

۱. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس‌های پستی:
۲. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 972
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

4 May 2015

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما۰۰۴۹۳۰
۲۳۶۲۹۷۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000
0790 0205 80
BIC: BELADEBEXXX